

ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت

تحلیل، تحقیق و تصحیح

رسالة أقسام الحکمة

محسن کدیور

چکیده:

یکی از آثار مسلم الانتساب ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸) «رسالة أقسام الحکمة» (تفاسیر الحکمة، أقسام العلوم العقلیه) است که احتمالاً بین سالهای ۳۹۲ تا ۴۱۲ نگاشته شده است. این رساله از یک مقدمه، ۱۱ فصل و یک خاتمه تشکیل شده است. ابن سینا در این رساله ۱۵ علم طبیعی، ۱۵ علم ریاضی، ۷ علم الهی، ۳ علم در حکمت عملی، و ۹ علم منطقی و در مجموع ۴۹ علم اصلی و فرعی حکمی را به اختصار معرفی کرده و به مهمترین کتب مرجع هر رشته نیز اشاره کرده است. در این رساله عناوین ۲۰ کتاب ارسطو، و کتبی از افلاطون، اقلیدس، بروسن و فروریوس آمده است. مفاد این رساله در دیگر آثار ابن سینا از قبیل مدخل منطق و الهیات الشفاء، دانشنامه علائمی، عیون الحکمة و حکمة المشرقیین به نحوی دنبال و تکمیل شده است، هر چند این رساله مشروح‌ترین اثر ابن سینا در موضوع طبقه‌بندی علوم و تقسیم حکمت است. طبقه‌بندی حکمت از سوی ابن سینا در این رساله متخذ از میراث ارسطویی است. استخوان‌بندی تقسیم حکمت به نظری و عملی، و تقسیم ثلاثی هر یک، در دوران اسلامی در دو رساله «التنبیه علی سبیل السعادة» و «ما ینبغی ان یقدم قبل

تعلیم فلسفه ارسطو» فارابی و «مفاتیح العلوم» خوارزمی به چشم می‌خورد. طبقه‌بندی اصلی حکمت ریاضی و طبیعی نیز قبلاً در رساله «کمیة کتب ارسطوطالیس و ما یحتاج إلیه فی تحصیل الفیلسفة» کندی آمده است.

اهمیت این رساله از سوئی در تثبیت موارد فوق از سوی ابن‌سینا و تبدیل آن به طبقه‌بندی رسمی در دوران اسلامی است، چرا که اکثر طبقه‌بندی‌های فوق در کتاب پرآوازه «احصاء العلوم» فارابی رعایت نشده است، و از سوی دیگر ناشی از ابتکارات ابن‌سینا در فصول چهارم، نهم و دهم این رساله (فصول حکمت عملیه و حکمت الهیه) است.

تقسیم سیاست مدنی به علم مُلک و علم نوامیس؛ تأسیس علم نوامیس (دین‌شناسی فلسفی)؛ پافشاری بر عدم مخالفت حکمت با وحی و شریعت، اعتبار احکام وحی در حوزه ممکنات عقلی، و اذعان به محدودیت ادراک عقلی و خضوع عقل در برابر مفاد وحی در قلمرو یاد شده از ابتکارات این رساله است. این راه که با کندی آغاز شد، با ابن‌سینا به بالندگی رسید و با رویکرد «اصالت فلسفه» فارابی متفاوت است.

ابن‌سینا مجردشناسی فارابی در «احصاء العلوم» را به سه بخش خداشناسی، عقل‌شناسی و شناخت نفوس سماوی تجزیه کرد. جزئیات و تفصیل هر پنج بخش با ابن‌سینا به اوج خود می‌رسد، هرچند این تقسیم نه از سوی ابن‌سینا و نه از سوی دیگر حکیمان در عمل رعایت نشده است. دو علم وحی‌شناسی فلسفی و آخرت‌شناسی فلسفی به عنوان علوم فرعی الهی برای نخستین بار توسط ابن‌سینا در این رساله مطرح شده‌اند. ابن‌سینا در شرح این دو علم به نکات مهمی در باب وحی و معاد جسمانی اشاره کرده است.

نفوذ رساله اقسام الحکمة در دوران اسلامی به مراتب بیش از کتاب ارزنده «احصاء العلوم» فارابی است. رساله‌ای که بتواند متفکرانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، شهرزوری و قطب‌الدین شیرازی را به اقتباس (گاه تا حد نقل مستقیم) وا دارد و متفکران صاحب‌مکتبی چون غزالی را از تأثیر خود بی‌نصیب نگذارد، جایگاه رفیعی در تاریخ طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام دارد. رساله اقسام الحکمة ابن‌سینا یکی از سه اثر تأثیرگذار حوزه «طبقه‌بندی علوم» در دوران اسلامی، و از زاویه «منبع‌شناسی فلسفی» یکی از سه اثر اصلی این دوران است. متن کامل این رساله به زبانهای لاتین، فرانسوی (۳ بار) و فارسی و پاره‌هایی از

آن به عبری و انگلیسی ترجمه شده است. علی‌رغم انتشار مکرر دو چاپ غیر مصحح، تصحیح انتقادی این رساله برای نخستین بار بر اساس چهار نسخ خطی شماره‌های ۴۷۵۴ و ۴۷۵۵ کتابخانه دانشگاه استانبول، ۴۶۵۱ کتابخانه ملک تهران و ۴۸۵۲ کتابخانه ایاصوفیه استانبول که تاریخ کتابت آنها بین سالهای ۵۸۸ تا ۷۲۴ است (گزیده شده از میان ۵۸ نسخه خطی) منتشر می‌شود. از دستاوردهای این تحقیق کشف اثر محتمل الانتساب تازه‌ای از ابن سینا به نام رساله «اقسام علوم الاوائل» است. کلید واژه‌ها: ابن سینا، رساله اقسام الحکمة، تقاسیم الحکمه، اقسام العلوم العقلیه، طبقه‌بندی علوم، طبقه‌بندی حکمت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست

چکیده

• تحلیل انتقادی متن رساله

بخش اول: پیشینه بحث طبقه‌بندی حکمت

۱. میراث ارسطو
۲. «رساله کمیة کتب ارسطوطاليس» کندی
۳. «رساله التنبیه علی سبیل السعادة» فارابی
۴. «کتاب احصاء العلوم» فارابی
۵. تقسیم علوم در دیگر آثار متقدمین

بخش دوم: تحلیل محتوای رساله اقسام الحکمة

۱. گزارش محتوای رساله
 ۲. اقسام حکمت و علوم وابسته در رساله
 ۳. فلاسفه و کتب یونانی در رساله
 ۴. نسبت حکمت و دین در رساله
- بخش سوم: طبقه‌بندی حکمت در دیگر آثار ابن سینا

۱. تقسیم حکمت در کتاب الشفا
۲. تقسیم حکمت در دانشنامه علائی
۳. تقسیم حکمت در عیون الحکمه
۴. تقسیم علوم در حکمت المشرقین

بخش چهارم: ابتکارات و امتیازات رساله

۱. سیر تحول ابن سینا در طبقه‌بندی حکمت
۲. استفاده ابن سینا از آثار سلف
۳. امتیازات و ابتکارات ابن سینا در رساله
۴. بررسی میزان پایبندی ابن سینا در آثارش به مفاد رساله

بخش پنجم: بررسی تأثیر رساله در طبقه‌بندی حکمت

۱. غزالی و احیاء علوم الدین
۲. فخر الدین رازی و جامع العلوم

۳. طوسی، اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمة
۴. شهرزوری و الشجرة الالهيه
۵. قطب‌الدین شیرازی و درة التاج
۶. میزان نفوذ رساله اقسام الحکمة ابن سینا

• مقدمه تحقیق

۱. وجه انتساب رساله به ابن سینا
۲. یک رساله یا دو رساله؟
۳. عنوان رساله
۴. زمان نگارش رساله
۵. روش تحقیق

• مقدمه تصحیح

۱. مشخصات کلیه نسخ خطی شناخته شده رساله
۲. معرفی و ارزیابی کلیه چاپهای پیشین رساله
۳. ضرورت نخستین تصحیح انتقادی رساله
۴. مشخصات نسخ خطی مبنای تصحیح
۵. روش تصحیح
۶. مشخصات ترجمه‌های رساله به دیگر زبانها
۷. تشکر

• منابع

• متن رساله

{خطبة الرساله}

[۱] فصل في ماهية الحکمة

[۲] فصل في اول اقسام الحکمة

[۳] فصل في اقسام الحکمة النظرية

[۴] فصل في اقسام الحکمة العملية

[۵] فصل في اقسام الحکمة الطبيعية

[۶] اقسام الحکمة الفرعية الطبيعية

[۷] الاقسام الاصلية للحکمة الرياضية

- [۸] الاقسام الفرعية للعلوم الرياضية
[۹] الاقسام الاصلية للعلم الالهي
[۱۰] فروع العلم الالهي
[۱۱] الاقسام التسعة للحكمة التي هي المنطق
{خاتمة الرساله}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

نوشتار «ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت (تحلیل، تحقیق و تصحیح رساله اقسام الحکمة شیخ‌الرئیس)» از چهار بخش تشکیل شده است. بخش اول: ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت (تحلیل انتقادی متن رساله)؛ بخش دوم: مقدمه تحقیق رساله؛ بخش سوم: مقدمه تصحیح انتقادی متن رساله؛ بخش چهارم: متن مصحح و محقق رساله.

۱. تحلیل انتقادی متن رساله

این مقدمه تحلیلی شامل پنج بخش است: اول، مروری بر پیشینه بحث طبقه‌بندی فلسفه؛ دوم، ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت؛ سوم، تحلیل محتوای رساله اقسام الحکمة؛ چهارم، ابتکارات و امتیازات رساله؛ و بالاخره پنجم، بررسی تأثیر رساله در بحث طبقه‌بندی حکمت و علوم.

• بخش اول: پیشینه بحث طبقه‌بندی فلسفه

طبقه‌بندی فلسفه به ارسطو نسبت داده می‌شود. مرور پیشینه بحث را با بررسی آثار ارسطو و میراث یونانی ارسطو آغاز کرده‌ایم. سپس رسائل کندی اولین فیلسوف مسلمان را کاویده‌ایم. در سومین و چهارمین قسمت آثار فارابی مؤسس فلسفه اسلامی یعنی *التنبيه على سبيل السعادة و احصاء العلوم* را مطالعه کرده‌ایم. آثار دیگر متقدمین از قبیل اخوان الصفا، ابوالحسن عامری و *مفاتيح العلوم* خوارزمی در آخرین قسمت این بخش مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

۱. میراث ارسطو

انچه درباره طبقه‌بندی فلسفه به ارسطو نسبت داده می‌شود، یعنی تقسیم فلسفه به نظری و عملی، و تقسیم فلسفه نظری به طبیعیات و ریاضیات و الهیات، و تقسیم

فلسفه عملی به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست، هیچ‌یک دقیقاً به خود وی باز نمی‌گردد. در نوشته‌های ارسطو اشاره به یک تقسیم‌بندی مشخص و قطعی را نمی‌توان یافت. او مختصراً اشاره می‌کند که مسائل فلسفی را می‌توان در سه گروه جای داد: اخلاقیات، طبیعیات و منطقیات (توپیکا، کتاب ۱، فصل ۱۴، گ ۱۰۵، سطر ۱۹). اما این تقسیم‌بندی را خود او نیز موقتی می‌داند.

چه‌بسا گفته شود (شرف، ۱۳۷۵، ۵۷۹) که اشاره‌های خود ارسطو در نوشته‌هایش تقسیم بنیادی فلسفه به نظری و عملی را تأیید می‌کند. از جمله: «فلسفه به درستی شناخت حقیقت نامیده شده است. هدف شناخت حقیقت نظری، حقیقت است و از آن شناخت عملی، کنش». (متافیزیک، کتاب II، فصل ۱، ۹۹۳، ب، ۱۹). فلسفه عملی نزد ارسطو دو گونه است: یکی آفرینش یا پدید آوردن و ساختن (poiesis)، و دیگری عمل یا کنش (praxis) که از آن میان، نخستین با استعداد و توان هنری فنی، و دیگری با خواست یا اراده پیوسته است. (متافیزیک، کتاب II، فصل ۱، ۱۰۲۵، ب، ۲۲).

حتی می‌توان تقسیمی ثلاثی را قابل توجه ارسطو در طبقه‌بندی فلسفه دانست (توپیکا، زنا ۶، ۱۴۵ الف ۱۵ به بعد؛ متافیزیک، اپسیلن ۱، ۱۰۲۵ ب ۲۵): اول، فلسفه نظری (متافیزیک، کاپا ۷-۱۰۶۴ ب ۱ به بعد) که در آن معرفت از این حیث که معرفت است غایت مورد نظر است، نه هیچ غرض عملی، و منقسم است به: (الف) فیزیک یا فلسفه طبیعی که با اشیاء مادی که دستخوش حرکتند سر و کار دارد؛ (ب) ریاضیات که با نامتحرک اما غیر مفارق (از ماده) سر و کار دارد؛ (ج) مابعدالطبیعه، که با مفارق (متعالی) و نامتحرک سر و کار دارد. دوم: فلسفه عملی (پراکتیکه) که اصولاً با علم سیاسی سروکار دارد، لیکن علم لشکرکشی (strategy)، علم اقتصاد و خطابه را به عنوان رشته‌های کمکی و فرعی دارد، زیرا غایاتی که در این رشته‌ها مورد نظر است، وابسته به غایت علم سیاسی و نسبت به آن در حکم کمک و متمم است (اخلاق نیکوماخوسی، آلفا ۱، ۱۰۹۴ الف ۱۸ به بعد). سوم، فلسفه شعری (پوئیکه) با تولید سر و کار دارد و نه با عمل از آن حیث که عمل است، چنانکه در مورد

فلسفه عملی (که شامل عمل اخلاقی به معنی وسیعتر یا به معنی سیاسی کلمه است) وضع چنین است؛ و در حقیقت همان نظریه هنر (Theory of Art) است. (کاپلستون، ۱۳۶۸، ج ۱ ص ۳۱۹).

در مقابل نظر دیگری در این باره مطرح است (طباطبائی، ۱۳۸۳، ۲۴۱-۲۳۹):
 اولاً، تدوین منظومه فلسفی از ویژگی‌های دوران یونانی‌مآبی است و با روح اندیشه فلسفی ارسطویی سازگاری ندارد (During, 1957, 422). ارسطو هرگز رساله‌های خود را به صورت مجموعه‌ای تدوین نکرد. این آندرونیکوس رودسی (Andronicus of Rhodes) بود که در قرن اول پیش از میلاد با ترتیبی که به رساله‌های ارسطو داد زمینه را برای چنین تعبیری فراهم آورد. با رساله «زندگی‌نامه ارسطو» نوشته بطلمیوس افلاطونی این پندار که ارسطو خود این رساله‌ها را در منظومه‌ای منسجم تدوین کرده بود، تقویت شد. دیوجانس لائرتیوس (Diogenes Laertius) در قرن سوم میلادی در آثار و احوال فلاسفه مشهور تذکره‌ای فراهم آورد. او در شرح حال ارسطو پس از ذکر عناوین رساله‌های ارسطو، در شرح اجمالی فلسفه ارسطو بحث را با تقسیم فلسفه (همانگونه که آندرونیکوس تنظیم کرده بود) آغاز می‌کند: «این مجموعه را می‌توان به دو گونه فلسفه تقسیم کرد، فلسفه عملی و فلسفه نظری، فلسفه عملی شامل اخلاق و سیاست است و در آن از امور مربوط به شهرها و منزل بحث می‌شود. فلسفه نظری طبیعیات و منطق را شامل می‌شود. اما منطق شاخه‌ای جدا از دانش نمی‌است، بلکه آلتی بسیار دقیق برای فهم دیگر دانش‌هاست.» (Laertius, 1972, V 28, p. 475).

ثانیاً، برای دو اصطلاح «حکمت عملی و نظری» یا به گفته دیوجانس در آثار و احوال فلاسفه مشهور *ton kata philosophian logon, ton men praktikon ton de theoretikon* در نوشته‌های ارسطو معادلی نمی‌توان یافت. اگر چه ارسطو تنها یک بار در رساله متافیزیک (۱۰۲۶ a19) از فلسفه‌های نظری (*philosophia theoretike*) سخن به میان آورده است، اما قرینه آن یعنی اصطلاح *philosophia praktike* به معنای حکمت عملی در آثار ارسطو به کار نرفته است. زیرا «ارسطو برخلاف برخی مشائیان متأخر بحث درباره سیاست و اخلاق را وارد در قلمرو فلسفی صرف

نمی‌دانسته و اصطلاح فلسفه عملی با توجه به مبانی فلسفه ارسطویی دارای تناقض بوده است.» (Allan, 1962, 169). جالب توجه است که ارسطو، مقولات عملی و نظری را در نوشته‌های خود به عنوان صفتی برای دو وجه خرد (logos) - اندیشه (dianoia) و توانائی دریافت علمی (episteme) می‌آورد و نه دو نظام گفتار فلسفی (logoi). بدین‌سان بحث ارسطو درباره اخلاق و سیاست و پیوند آن از مباحث «حکمت عملی» ارسطویی نیست، بنابراین تقسیم‌بندی درونی آن نیز به سه بخش اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن به هیچ وجه نمی‌تواند ارسطویی باشد.

۲. «رساله کمیة کتب ارسطوطاليس» کندی

ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۲۵۲-۱۸۵) نخستین فیلسوف مسلمان در رساله مهم «کمیة کتب ارسطوطاليس و ما یحتاج الیه فی تحصیل الفلّسفه» (الکندی، ۱۹۵۰، ج ۱ ص ۳۸۴-۳۵۹) نخستین طبقه‌بندی علوم حکمی و کتاب‌شناسی فلسفی را به زبان عربی تدوین کرده است. او کتب ارسطو بلکه حکمت و علوم عقلی را بطور کلی به چهار نوع تقسیم کرده است: منطقیات، طبیعیات، ریاضیات و الهیات. هرچند با اضافه شدن علم اخلاق در ادامه، این عدد به پنج بالغ می‌شود. منطقیات نیز به هشت بخش تقسیم شده است. کندی به تفصیل هر بخش را معرفی کرده و واژه‌های یونانی معادل را نیز به دقت معنا کرده است.

طبیعیات به هفت کتاب تقسیم می‌شوند: الخبر الطبیعی (سمع الکیان)، السماء، الکون و الفساد، احداث الجو و الارض، المعادن، النبات، الحيوان. کندی در ادامه اموری را که در قوام و ثبات به ماده نیاز ندارند، اما گاهی در مادیات یافت می‌شوند، در چهار کتاب دنبال کرده است: النفس، الحس و المحسوس، النوم و اليقظة، طول العمر و قصره. به بیان وی مابعدالطبیعة کتاب واحدی است. آنگاه از سه کتاب اخلاق کبیر نیقوماخیا، اخلاق نیقوماخوس و کتابی کوچکتر شبیه نیکوماخوس سخن گفته است. کندی برای ریاضیات ارزش فراوانی قائل شده است و فهم فلسفه را تنها بعد از تعلم ریاضیات و منطق میسر دانسته است. ریاضیات به علم عدد، هندسه، تنجیم و تألیف

تقسیم می‌شوند.

او در میان تشریح علوم ریاضی استطراداً به مقایسه علم الهی و علوم انسانی می‌پردازد. به نظر او علوم انسانی منوط به طلب، رنج و چاره جوئی بوده در گذر زمان کسب می‌شوند، حال آنکه علم الهی از قبیل «علم رسل صلوات الله علیهم» بدون شرائط چهارگانه تنها با اراده خداوند و طهارت نفس نبی حاصل شده است. این علم مختص پیامبران است و هیچ انسانی را به این علم راهی نیست. کندی آنگاه به عنوان مثال یکی از آیات قرآن در سوره یس درباره معاد را تحلیل کرده، در انتها می‌پرسد کدام انسان با فلسفه بشری‌اش توان گنجاندن این معارف عظیم در این حروف اندک را دارد؟ زبان‌های منطقی، عقول جزئی بشری و توان انسانی از وصول به این مرتبه علم الهی عاجز است.

در انتهای رساله، کندی اغراض کتب ارسطو را یک به یک تشریح می‌کند. او غرض کتاب مابعدالطبیعیات را دو امر می‌داند: یکی وجودشناسی و دیگری خداشناسی (ناظر به توحید ذات و صفات و افعال). به نظر کندی غرض ارسطو در کتب اخلاقی سیاسی‌اش، یعنی کتاب اخلاق نیکوماخوس که برای فرزندش نوشته و کتاب بولیطیقی یعنی مدنی که برای برخی برادرانش نوشته، به ترتیب وصول به فضائل و دوری از رذائل اخلاقی، و سیاست مدنی است.

در تقسیم حکمت و علوم در رساله بلکه رسائل بجا مانده کندی نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. کندی از دو قسم علوم بشری و الهی سخن گفته است. علم الهی مختص انبیاست. فلسفه با همه شعبش در زمره علوم بشری است که به لحاظ رتبه و گستره و عمق مادون علم الهی است.

۲. در طبقه‌بندی کندی نشانی از تقسیم حکمت به نظری و عملی به چشم نمی‌خورد.

۳. کندی در نهایت از شش طبقه مشخص از اقسام فلسفه سخن گفته است: منطقی، ریاضیات، طبیعیات، مابعدالطبیعه، اخلاق، سیاست مدنی.

۴. مفصل‌ترین بحث کندی درباره هشت بخش منطق است. او اشاره‌ای به مدخل

فرفورس ندارد.

۵. کندی درباره طبیعیات نیز به تفصیل به هفت کتاب و سپس چهار کتاب (نفس، حس و محسوس، خواب و بیداری، طول و قصر عمر) پرداخته است. کندی علیرغم مطرح کردن چهار رشته اصلی ریاضیات هیچ اشاره‌ای به علوم فرعی طبیعیات و ریاضیات نکرده است.

۶. با اینکه کندی تصریح کرده است که ارسطو «کتاب واحد»ی در مابعدالطبیعیات دارد و به *اثولوجیا* در این رساله هیچ اشاره‌ای نکرده است، اما شرح غرض کتاب آن بویژه در بخش دومش بیش از آنکه به متافیزیک ارسطو ناظر باشد، *اثولوجیا* را تداعی می‌کند.

۷. جایگاه «علم اخلاق نفس و سیاست آن» در رساله کندی به وضوح چهار علم دیگر نیست. وضعیت سیاست مدینه که کندی تنها یک بار در انتهای رساله در ذیل اخلاق به کتاب آن اشاره کرده، در ابهام بیشتری قرار دارد. او هیچ اشاره‌ای به تدبیر منزل ندارد.

۳. «رساله التنبیه علی سبیل السعادة» فارابی

مهمترین طبقه‌بندی علوم و فلسفه قبل از ابن‌سینا در دوران اسلامی متعلق به فارابی است. در آثار فارابی به دو تقسیم به ظاهر متفاوت برخورد می‌کنیم. یکی در «رساله التنبیه علی سبیل السعادة» و دیگری در کتاب «احصاء العلوم».

در رساله نخست (فارابی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۶-۲۲۳) فارابی صنایع را به دو صنف جمیل و نافع تقسیم می‌کند. صنایعی که مقصودشان فقط تحصیل جمیل است، فلسفه یا حکمت انسانی نامیده می‌شوند. صنایعی که مقصود از آنها نافع است، فلسفه نیستند، اگرچه گاهی با تشبیه به فلسفه به این نام خوانده می‌شوند. از آنجا که جمیل بر دو صنف است: صنف اول فقط علم است، صنف دوم علم و عمل می‌باشد؛ صناعت فلسفه نیز بر دو صنف است: صنفی که با آن معرفت موجوداتی که ایجاد آنها در شأن انسان نیست به دست می‌آید، یعنی فلسفه نظریه؛ و صنفی که با آن معرفت اموری که ایجاد آنها در شأن انسان است، و بر فعل جمیل آنها قدرت دارد، تحصیل می‌شود، یعنی

فلسفه عملیه یا فلسفه مدنیه.

این برای نخستین بار در تألیفات یک حکیم مسلمان است که فلسفه به دو قسم فلسفه نظریه و فلسفه عملیه تقسیم می‌شود. فلسفه نظریه مبتنی بر سه صنف علم تعالیم (ریاضیات)، علم طبیعی، و علم الهی (علم مابعد الطبیعیه) است. فلسفه عملیه یا فلسفه مدنیه به دو صنف صناعت خُلقیه یا علم اخلاق و فلسفه سیاسیه تقسیم می‌شود. به نظر فارابی علم منطقی به عنوان مقدمه لازم فلسفه به شدت مورد نیاز است.

ضمناً فارابی در رساله «ما ینبغی أن یقدم قبل تعلم فلسفة ارسطو» (قاهره، ۱۳۲۸) به هشت کتاب طبیعی، سه کتاب ریاضی (مناظر، خطوط و حیل)، هشت کتاب منطقی، سه کتاب در اصلاح اخلاق و تدبیر مدن و تدبیر منزل اشاره کرده است.

۴. کتاب «احصاء العلوم» فارابی

فارابی رساله پرآوازه احصاء العلوم (قاهره، ۱۹۴۹) خود را این گونه آغاز می‌کند: «بر آنیم که در این کتاب دانش‌های مشهور را یک یک برشمریم، و خلاصه‌ای از مباحث هر یک از آنها را به دست دهیم و هر کدام که دارای چند بخش است از بخش‌های آن یاد کنیم و نمونه‌هایی نشان دهیم». غرض از تألیف احصاء العلوم معرفی علوم مشهور عصر فارابی جهت شناخت برترین و استوارترین دانش‌ها و تمییز عالمان حقیقی از مدعیان کم‌دانش است. بنابراین فارابی دائرةالمعارف مختصر خود را به علوم عقلی و حکمت منحصر نکرده است، بلکه گستره کاوش او، علوم ادبی و نقلی را نیز در بر گرفته است.

احصاء العلوم پنج فصل دارد. فصل اول به معرفی علوم ادبی اختصاص یافته است: علوم لغت، صرف، نحو، کتابت، قرائت و عروض. فارابی در فصل دوم که از مهم‌ترین و نافذترین فصول کتاب است، به معرفی علم منطقی می‌پردازد. اجزای منطقی به سیاق میراث ارسطو عبارتند از مقولات، عبارت، قیاس، برهان، جدل، سفسطه، خطابه و

شعر. در فصل سوم علم تعالیم (ریاضیات) معرفی شده است. بخش‌های این علم عبارتند از: حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، علم مناظر، علم اثقال و علم حیل (مکانیک). در فصل چهارم علم الهی (متافیزیک) و علم طبیعی (فیزیک) در کنار هم معرفی شده‌اند. بر سیاق ارسطو طبیعیات به هشت علم سماع طبیعی، بسائط، کون و فساد، افعال و انفعالات، مرکبات، معادن، نبات و حیوان منقسم است. از دیدگاه فارابی علم الهی بر سه بخش است. بخش اول وجودشناسی است. بخش دوم تعیین مبادی براهین علوم نظری را به عهده دارد. بخش سوم به مجرد شناسی اختصاص دارد.

فارابی در فصل پنجم به بررسی علم مدنی، فقه و کلام می‌پردازد. علم مدنی از دو بخش سعادت‌شناسی و احکام مدینه فاضله تشکیل می‌شود. علم اخلاق جزئی از بخش اول، و علم سیاست جزئی از بخش دوم علم مدنی است. علم فقه از دیدگاه فارابی علم اجتهاد در عقاید و افعال شرعی است. علم کلام در مرتبه متأخر از فقه، عهده‌دار دفاع از اعتقادات دینی در برابر شبهات مطرح شده از سوی ادیان دیگر است. او متکلمان را به پنج دسته تقسیم می‌کند. همه علوم فصل پنجم مبتنی بر وحی الهی‌اند، با این تفاوت که علم مدنی در مرتبه فلسفه درک می‌شود، و علم فقه و کلام در مرتبه دین.

مقایسه این دو تقسیم فارابی نتایج ذیل را به دست می‌دهد:

۱. مقسم در تقسیم نخست فلسفه است، حال آن که در تقسیم دوم علوم مشهور است. بنابراین مقسم در /احصاء اعم از مقسم در /التنبیه است.
۲. اعمیت مقسم در طبقه‌بندی /احصاء به ورود دو صنف علوم ادبی (هفت علم لسانی) و علوم نقلی (فقه و کلام) می‌انجامد، که در تقسیم فلسفه در /التنبیه از آنها خبری نیست.
۳. تقسیم رئیسه فلسفه به نظریه و عملیه در /التنبیه قابل دفاع‌تر از تقسیم پنجگانه علوم در /احصاء است. بویژه آنکه به دو علم مقدماتی ادبیات و منطق دو فصل مستقل اختصاص یافته، اما طبیعیات و الهیات با یکدیگر در فصل چهارم مورد

بحث قرار گرفته‌اند. هکذا نگنجاندن علوم نقلی فقه و کلام در فصلی مستقل از علم مدنی.

۴. تقسیمات اصلی فلسفه در *التنبیه* به شرح ذیل با فصول *احصاء* مطابق است: فلسفه نظریه با فصول سوم (ریاضیات) و چهارم (طبیعیات و الهیات)؛ فلسفه عملیه با نیمه اول فصل پنجم (علم مدنی)؛ و علم آلی منطق با فصل دوم.

۵. فارابی در *التنبیه* به تقسیم اولیه فلسفه نظریه به سه قسم و فلسفه عملیه به دو قسم اکتفا کرده است. حال آنکه در *احصاء اصناف* هر یک از این اقسام پنجگانه نیز معرفی شده است.

۶. اگرچه در هر دو رساله فلسفه عملیه یا علم مدنی به دو قسم تقسیم شده است، اما این دو قسم عیناً مطابق نیستند. اقسام دوگانه علم مدنی در *احصاء* (سعادت شناسی و احکام مدینه فاضله) اعم از مشابه خود در *التنبیه* (اخلاق و فلسفه سیاسی) است.

۷. فارابی در تقسیم فلسفه به نظریه و عملیه و تقسیم فلسفه نظریه به ریاضیات و طبیعیات و الهیات و امدار میراث ارسطو است.

۸. تقسیم فلسفه عملیه یا علم مدنی در هر دو رساله، تعریف فقه و کلام، اقسام متکلمین، نحوه ارتباط علوم مدنی و فقه و کلام، و بالاخره گنجاندن تقسیم علوم ادبی در زمره طبقه‌بندی علوم از ابتکارات فارابی است.

۵. تقسیم علوم در دیگر آثار متقدمین

در این مقام به بررسی مهم‌ترین آثار متقدم یعنی *رسائل اخوان الصفا، الاعلام بمناب الاسلام عامری و مفاتیح العلوم خوارزمی* می‌پردازیم:

اول: «*رسائل اخوان الصفاء*» نگاشته شده در اواسط قرن چهارم دائرةالمعارفی از علوم و فلسفه در ضمن پنجاه و دو رساله است؛ که توسط مؤلفین به چهار صنف اصلی تقسیم شده‌اند: ریاضیه تعلیمیه، طبیعییه جسمانییه، نفسانییه عقلیه و الهیه ناموسییه. در صنف اول از ۱۴ علم از جمله عدد، هندسه، نجوم، جغرافیا، موسیقی، ایساغوجی، بارامانیاس، آنالوطیقای اولی و ثانیه بحث شده است. صنف دوم به علومی از قبیل

سماع طبیعی، السماء و العالم، الكون و الفساد، الآثار العلویه، تكوين المعادن، النبات، تكوين الحيوانات و اصنافها، الحاس و المحسوس، الانفس الجزئیه اختصاص دارد. در صنف سوم علمی از قبیل مبادی عقلیه، العقل و المعقول، ماهیه العشق، البعث و القيامة، العلل و المعلولات، الحدود و الرسوم به چشم می‌خورد. و بالاخره صنف چهارم حاوی علمی از جمله الآراء و الدیانات، ماهیه الایمان، ماهیه الناموس الالهی، کیفیه احوال الروحانیین، انواع السیاسات، و ماهیه السحر و العزائم می‌باشد.

دوم: ابوالحسن محمد عامری (م ۳۸۱) در «الاعلام بمنایب الاسلام» علوم را به دو طبقه ملی (شرعی) و حکمی (فلسفی) تقسیم کرده است. علوم ملی بر سه قسم است: علم حسی (حدیث)، علم عقلی (کلام) و علم مشترک بین حس و عقل (فقه). علوم حکمی نیز بر سه قسم است: علم حسی (طبیعیات)، علم عقلی (الهیات) و علم مشترک بین حس و عقل (ریاضیات). منطق ابزار علوم حکمی است.

سوم: ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف الخوارزمی (م ۳۸۷) در «مفاتیح العلوم» طی دو مقاله علوم را معرفی کرده است: مقاله اول محتوی علوم شرعی و ملحقات آن از علوم عربی طی شش باب است: فقه، کلام، نحو، کتابت، شعر، عروض و اخبار. مقاله دوم علوم بیگانگان از جمله یونانیان را در ضمن نه باب معرفی کرده است: فلسفه، منطق، طب، حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، علم الحیل و کیمیا. خوارزمی فلسفه را به دو قسم نظری و عملی تقسیم کرده است. فلسفه نظری بر سه قسم است: علم برین یا الهیات، علم وسطی یا ریاضیات، علم فروتر یا طبیعیات. فلسفه عملی نیز بر سه قسم است: علم اخلاق، تدبیر منزل و اداره اجتماع و ملت و کشور. او منطق را نیز به نه جزء از ایساغوجی تا بیوطیقی یا شعر تقسیم کرده است.

• بخش دوم: تحلیل محتوای رساله اقسام الحکمة

در این بخش چهار مطلب عرضه می‌شود: گزارش تحلیلی محتوای رساله، اقسام حکمت و علوم در رساله، فلاسفه و کتب یونانی در رساله، بحث درباره نسبت حکمت و دین یعنی غرض اصلی رساله.

۱. گزارش تحلیلی محتوای رساله

از ابن‌سینا در خواست می‌شود که اقسام علوم عقلی را به ایجاز و ترتیب تبیین نماید. بر این اساس در این رساله انتظار نیست از علوم نقلی (از قبیل تاریخ، کلام، فقه، تفسیر و حدیث) و علوم ادبی (از قبیل صرف و نحو و بلاغت و لغت) و علوم هنری و علوم شهودی (عرفان) بحث شود و نشده است.

ابن‌سینا با تعریف حکمت رساله‌اش را آغاز کرده است. تعریف وی از حکمت متکی بر غایت حکمت است. با حکمت در نظر، هستی و در عمل، شایسته‌ها را می‌شناسیم، تا به کمال نفس برسیم و به حسب طاقت بشری به عالمی معقول مشابه عالم موجود تبدیل شده به رستگاری نهائی در سرای دیگر نائل آئیم.

حکمت در نخستین و پایه‌ای‌ترین تقسیم به حکمت نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت نظری باور یقینی به حال موجوداتی است که وجودشان متعلق به فعل انسان نیست و مقصود از آن تنها تحصیل رأی نظری یا حق است. مقصود از حکمت عملی حصول رأی معطوف به عمل یا شناخت خیر است.

حکمت نظری بر سه قسم است: علم اسفل یا طبیعی، علم اوسط یا ریاضی، علم اعلی یا الهی. در طبیعیات از اموری بحث می‌شود که در تعریف و وجود مادی و جسمانی‌اند. ریاضیات متکفل بحث از اموری است که اگرچه در وجود متعلق به ماده و حرکتند اما در تعریف به آن دو تعلق ندارند. اما اموری که در وجود و تعریف نیازمند ماده و حرکت نیستند در الهیات مورد بحث قرار می‌گیرند.

شیخ‌الرئیس در این رساله برخلاف انتظار با تشریح اقسام حکمت عملی بخشش را در تقاسیم ثانوی آغاز می‌کند. وجه تقسیم، افعال مختص افراد انسانی و افعال نیازمند به شرکت است، اعم از شرکت در اجتماع منزلی و اجتماع مدنی. علم اخلاق متکفل بحث از افعال و اخلاق شایسته برای دستیابی به زندگی سعادت‌مند است. علم تدبیر منزل عهده‌دار تنظیم روابط فرد با همسر، فرزند و مملوک برای وصول به سعادت است.

اما در سومین شاخه حکمت عملی از اقسام سیاستها و جوامع مدنی و طرق استیفا و زوال و انتقال هر یک از این جوامع بحث می‌کند. به نظر ابن‌سینا این علم دو بخش

دارد: بخش متعلق به مُلك و فرمانروائی که در کتب سیاست باید از آن سراغ گرفت؛ و بخش متعلق به نبوت و شریعت که در کتب نوامیس مورد بحث قرار می‌گیرند. مراد ابن سینا از ناموس، سنن و هنجارهای نازل توسط وحی الهی است. به نظر شیخ‌الرئیس بخش اخیر همچنین از ضرورت نبوت و نیاز بشر به دین بحث می‌کند.

شیخ‌الرئیس در فصل پنجم رساله حکمت طبیعی را به اصلی و فرعی تقسیم کرده، اقسام هر یک را به ترتیب در فصول پنجم و ششم برمی‌شمارد. در فصل هفتم اقسام اصلی حکمت ریاضی، و در فصل هشتم علوم فرعی ریاضی معرفی می‌شوند.

از دیدگاه ابن‌سینا اقسام اصلی حکمت الهی پنج علم است: اول: الهیات بالمعنی الاعم یا بحث از احکام عمومی موجودات؛ دوم: بررسی اصول و مبادی حکمت طبیعی و ریاضی و منطق؛ سوم: الهیات بالمعنی الاخص یا مباحث واجب‌الوجود از اثبات ذات و صفات؛ چهارم: عقل‌شناسی یا بحث از عقل اول و دیگر عقول و نقش این مجردات تام در جهان؛ پنجم: بحث از وجه ارتباط امور زمینی به امور آسمانی و امور آسمانی به عقول یا ملائک و عقول با خداوند و بحث از شرور. ابن‌سینا همه امور این حکمت را مبتنی بر برهان یقینی می‌شمارد.

شیخ‌الرئیس در فصل دهم دو علم را از فروع علم الهی می‌شمارد: اول وحی شناسی فلسفی و بحث از نحوه اخبار از غیب و الهام و وحی و روح القدس. دوم: علم معاد مشتمل بر معاد روحانی عقلی و معاد جسمانی شرعی که عقل با آن مخالفتی ندارد و نیز بحث از سعادت و شقاوت روحانی (که عقلاً قابل اثبات است) و جسمانی (که جوازش عقلاً و وجوبش از طریق پیامبر اثبات می‌شود).

پس از اتمام اقسام اصلی و فرعی حکمت، ابن‌سینا در فصل یازدهم به اقسام علم آلی یعنی منطق می‌پردازد که حکمت نظری و عملی هر دو به آن محتاجند.

شیخ‌الرئیس در پایان رساله می‌نویسد: با توجه به اقسام حکمت واضح شد که هیچیک از آنها مشتمل بر امور خلاف شرع نیست و انحراف برخی از مدعیان فلسفه ناشی از خود فلسفه نیست بلکه برخاسته از عجز یا کوتاهی از درک فلسفه است.

این خاتمه دلالت بر آن دارد که رساله در جو فشار بر فلسفه به اتهام مخالفت با

شرع در اندیشه دفاع منطقی از فلسفه نوشته شده است.

۲. اقسام حکمت و علوم وابسته در رساله

ابن‌سینا در رساله *اقسام الحکمة* در مجموع ۴۹ شاخه اصلی و فرعی حکمت را به شرح ذیل معرفی کرده است: ۸ علم اصلی و ۷ علم فرعی طبیعی، ۴ علم اصلی و ۱۱ علم فرعی ریاضی، ۵ علم اصلی و ۲ علم فرعی الهی، ۳ علم در حکمت عملی (علم سوم خود دو بخش دارد)، و ۹ بخش منطقی. بر این اساس ابن‌سینا در زمانه خود ۱۵ علم طبیعی، ۱۵ علم ریاضی، ۷ علم الهی یعنی ۳۷ علم در حوزه حکمت نظری می‌شناخته است.

حوزه حکمت نظری: (۱) طبیعیات: علوم اصلی: ۱. سماع طبیعی، ۲. السماء و العالم، ۳. الکون و الفساد، ۴. الاوضاع الجویه، ۵. معادن، ۶. النبات، ۷. طبایع الحیوان، ۸. النفس والحسّ والمحسوس. علوم فرعی: ۹. طب، ۱۰. احکام نجوم، ۱۱. علم فراست، ۱۲. علم تعبیر خواب، ۱۳. علم طلسمات، ۱۴. علم نیرنجات، ۱۵. علم کیمیا.

(۲) ریاضیات: علوم اصلی: ۱۶. علم حساب، ۱۷. علم هندسه، ۱۸. علم هیأت، ۱۹. علم موسیقی. علوم فرعی: ۲۰. حساب هندی، ۲۱. جبر و مقابله، ۲۲. علوم مساحت، ۲۳. علم الحیل، ۲۴. علم جرّ انتقال، ۲۵. علم اوزان، ۲۶. علم ابزار جنگی، ۲۷. علم مناظر و مرایا، ۲۸. انتقال آب؛ ۲۹. علوم زیج و تقویم، ۳۰. علم بکارگیری آلات موسیقی.

(۳) الهیات: علوم اصلی: ۳۱. امور عامه، ۳۲. اصول و مبادی دیگر علوم؛ ۳۳. مباحث واجب‌الوجود از اثبات ذات و صفات؛ ۳۴. عقل شناسی، ۳۵. وجه ارتباط امور زمینی به امور آسمانی و امور آسمانی به عقول یا ملائک و عقول با خداوند و بحث از شرور. فروع علم الهی: ۳۶. وحی و نبوت، ۳۷. علم معاد. حوزه حکمت عملی: ۳۸. علم اخلاق، ۳۹. علم تدبیر منزل، ۴۰. علم سیاست (شامل علم مُلک و علم نوامیس).

حوزه منطقی: ۴۱. ایساغوجی، ۴۲. مقولات، ۴۳. عبارات، ۴۴. قیاس، ۴۵. برهان، ۴۶. جدل، ۴۷. مغالطه، ۴۸. خطابه، ۴۹. شعر.

۳. فلاسفه و کتب یونانی در رساله

ابن سینا در رساله/اقسام/الحکمة مجموعاً نام ۵ فیلسوف یونانی و ۲۶ کتاب ایشان را ذکر کرده است. فلاسفه مذکور در متن عبارتند از: افلاطون، ارسطو، اقلیدس، فرفورئوس و بروسن.

ابن سینا از ۲ کتاب افلاطون یاد کرده است، یکی در سیاست (جمهوری) و دیگری نوامیس (قوانین). از اقلیدس نیز دو کتاب اصول علم هندسه و محسوطی ذکر شده است. از فرفورئوس کتاب ایساغوجی و از بروسن کتاب تدبیر منزل.

ابن سینا در مجموع از ۲۰ کتاب ارسطو نام برده است: ۱. اخلاق [نیکوماخوس]، ۲. سیاست، ۳. در نوامیس [ظاهراً: قانون اساسی دولت شهرهای یونان]، ۴. سمع الکیان، ۵. السماء و العالم، ۶. الکون و الفساد، ۷. الآثار العلویة، ۸. النبات، ۹. طبایع الحیوان، ۱۰. النفس، ۱۱. المحس و المحسوس، ۱۲. متافیزیقا، ۱۳. قاطیغوریاس، ۱۴. باریمیناس، ۱۵. آنالوطیقا الاولی، ۱۶. آنالوطیقا الثانية یا افوذقطیقی ۱۷. طویقا یا دیالقطیقی، ۱۸. سوفسطیقا، ۱۹. ریطوریقی، ۲۰. بوطیقا.

از ۲۰ کتاب فوق‌الذکر ارسطو تنها کتاب النبات تألیف نیکولاس دمشقی است و به نادرست به ارسطو نسبت داده شده است. در انتساب بقیه به ارسطو تردیدی نیست. در اینکه مراد ابن سینا از ۲ کتاب ارسطو در سیاست دو کتاب مذکور است، دلایل لازم در حاشیه متن رساله اقامه شده است. به نظر می‌رسد که اگرچه ابن سینا این دو کتاب را می‌شناخته اما یقیناً از مفاد آنها اطلاعی نداشته است.

۴. نسبت دین و حکمت در رساله

با اینکه رساله/اقسام/الحکمة آنچنانکه از نام و مقدمه‌اش برمی‌آید، می‌باید به چیزی جز طبقه‌بندی حکمت نپردازد، اما خاتمه رساله و تفصیل بیش از حد متعارف برخی بخشهای رساله نشان می‌دهد که در پس پشت متن رساله علاوه بر تقسیم

حکمت، مصنف غرض دیگری را دنبال می‌کرده است. غرض ثانوی تدوین رساله تبیین نسبت دین و حکمت و اثبات عدم مخالفت شریعت با فلسفه است. خاتمه رساله چنین است:

«پس ما به اقسام [پنجاه‌گانه] حکمت راه بردیم، و آشکار شد که هیچ‌یک از آنها مشتمل بر امور خلاف شرع نیست، پس اینکه برخی از مدعیان حکمت از راه روشن شریعت بیراهه می‌روند، تنها از جانب خود و به واسطه ناتوانی و کوتاهی‌شان [از درک حکمت] گمراه شده‌اند، نه اینکه خود حکمت اقتضای آن [مخالفت شریعت] داشته باشد، پس آن [حکمت] از ایشان [حکیم نمایان منحرف از شریعت] برائت می‌جوید.»

عبارات فوق حاکی از آن است که اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم افرادی می‌زیسته‌اند که در عین اطلاع از حکمت، خارج از ضوابط شریعت سلوک می‌کرده‌اند. شیوه زیست ایشان این توهم را به وجود آورده بود که حکمت با شریعت ناسازگار است. فلسفه مهمانی ناخوانده از سرزمین شرک و بیگانه از توحید و دیانت و در نهایت «سُور کفار» است، مسلمان مستظهر به کتاب و سنت را با فلسفه یونانیان چه کار؟ مخالفان فلسفه طیف وسیعی را تشکیل می‌داده‌اند، از متکلمان، فقیهان، محدثان و در مجموع اهل ظاهر شریعت تا عارفان و صوفیان و اهل باطن دیانت. دسته اول به لحاظ عدّه و عدّه بر دسته دوم برتری داشته‌اند. بنابراین طبیعی است که موضع دفاعی رساله در مواجهه با ایشان باشد.

ابن سینا با ظرافت می‌گوید صنعتی که به دنبال «کشف حقیقت و خیر» است نمی‌تواند با شریعت که «بیانی همگانی از همان حقیقت و خیر» است، مخالف باشد. پس حکمت فی‌نفسه موجب و مقتضی مخالفت با شریعت نیست. مخالفت‌های پیش آمده - که شیخ منکر آنها نیست - ناشی از ذات فلسفه نیست، برخاسته از عجز یا تقصیر اشخاص مدعی فلسفه است. عجز ناظر به ناتوانی قوای ادراکی در فهم عمیق

حکمت، و تقصیر (و نه قصور) حاکی از اتهام عدم کوشش کافی در راه فهم حقیقت است. رساله با برائت جستن مصنف از این حکیم نمایان دین‌ستیز پایان می‌یابد. ابن‌سینا، اما در متن رساله گوئی در ضمیر ناخودآگاهش پیوسته به دنبال اثبات این گزاره ستر است: «حکمت بذاته منافاتی با دیانت ندارد». او بهتر از هر کس دیگر می‌داند که علیرغم برخورداری از قلمروهای اختصاصی، حکمت و دیانت قلمروهای مشترک وسیعی دارند. در صورت تعارض احکام حکمت و دیانت در این قلمروهای مشترک حق با کدام قاضی است؟

اولین صحنه رویارویی در این قلمرو مشترک، سیاست مدنی است. ابن‌سینا این قلمرو را از دو ناحیه شایسته سامان می‌یابد، یکی ناحیه مُلک و فرمانروائی و کشورداری و حکمرانی و دیگری ناحیه نبوت و شریعت و دیانت و ناموس. از نظر دور نباید داشت که این دو ناحیه «متعلق» بحث است نه داور و حاکم بحث. در هر دو ناحیه حکمت حکم می‌راند. این افلاطون و ارسطو هستند که در هر دو ناحیه چه در مُلک و چه در ناموس حاکمند. مراد فلاسفه از ناموس - به گزارش ابن‌سینا - سنت و فرشته (مثال قائم ثابت به نزول وحی) است. به نظر ابن‌سینا:

«با این جزء از حکمت عملیه [بخش ناموس از سیاست مدن] این امور دانسته می‌شود: [۱] ضرورت نبوت و احتیاج انسان در وجود، بقاء و بازگشتش به شریعت، [۲] حکمت قلمرو مشترک و مختص شرایع به حسب اقوام و زمانها [ی متفاوت]، [۳] فرق بین نبوت الهی و همه دعاوی باطل [مُنْتَبِی‌ها]».

این سه موضوع اگر چه متعلق به دین و شریعت و وحی و نبوت هستند، اما از زاویه عقلی و منظر فلسفی مورد بحث قرار می‌گیرند. این مباحث را می‌توان از سنخ مباحث «فلسفه دین» معاصر دانست. ابن‌سینا در *حکمة المشرقیین* این جزء از سیاست مدن را علمی مستقل و چهارمین بخش از حکمت عملیه با نام «صناعت شارع» خوانده است.

منبع اولیه بخش ناموس از سیاست مدن، دو کتاب نوامیس از افلاطون و ارسطو - به معرفی ابن سینا - است. اگرچه در حوالی قرن سوم و چهارم کتاب نوامیس (قوانین) افلاطون و قانون اساسی دولت شهرهای یونان (اصول حکومت آتن) ارسطو در میان مسلمانان اجمالاً شناخته شده بود، اما یقیناً متن کامل آنها به عربی ترجمه نشده بود، و اطلاعات حکیمان مسلمان از آن دو منحصرأً از طریق برخی شروح و تلخیص‌های ناقص بوده است. به راستی اگر ابن سینا متن کامل این دو کتاب را خوانده بود، چنین نسبتی را به افلاطون و ارسطو روا می‌داشت؟ علم نوامیس با اجزای سه‌گانه‌اش در هیچ کتاب یونانی امکان یافت شدن نداشته است. هر سه جزء ناموس متعلق به دوران ادیان ابراهیمی و قرن‌ها پس از زمانه افلاطون و ارسطو بوده است. آری از افلاطون و ارسطو به روایت نوافلاطونیان (پس از فلوطین و فیلون یهودی) چنین مطالبی محتمل است. و ظاهراً مسلمانان با این روایت نوافلاطونی «این دو حکیم الهی» را شناخته بودند.

ابن سینا در تشریح سومین بخش از علم الهی بار دیگر از منظر فلسفی به حق اول، توحید در ذات و صفات و ربوبیت، بساطت ذات، کیفیت اسماء و صفات می‌پردازد. در بخش چهارم از علم الهی بحث از عقول و عالم ابداع، طبقات و کثرت ایشان است که با عناوین دینی ملائکه کرویین، ملائکه موکل سماوات، حاملان عرش، مدبرات طبیعت و عالم کون و فساد مورد بحث قرار گرفته‌اند. بخش پنجم علم الهی به بحث از نفوس فلکیه که در تسخیر عقول هستند اختصاص یافته است. ارتباط زمین و آسمان، نحوه تحقق وحی و امر الهی، نحوه ارتباط ملائکه با خداوند و با یکدیگر، ارتباط ویژه ملائکه عامله و مبلغه ممتله، نحوه دخول شر در قضای الهی از جمله مباحث این بخش است. به روایت ابن سینا همه این مباحث (به علاوه امور عامه و اثبات مبادی دیگر علوم) در کتاب متافیزیک ارسطو آمده است.

واضح است که قلمرو یادشده قلمرو باورهای دینی است که از منظر فلسفی مورد بحث قرار می‌گیرد. اما آیا کتاب متافیزیک ارسطو حاوی اینگونه مباحث است؟ به نظر می‌رسد از سوئی همه فصول متافیزیک در دوران اسلامی ترجمه نشده بود، بعلاوه

ضمیمه شدن کتاب اثولوجیا به عنوان کتاب ارسطو زمینه‌ساز چنین پنداری است که متافیزیک ارسطو حاوی مطالبی از سنخ بخشهای سوم تا پنجم علم الهی است. ابن سینا دو علم فرعی الهی یعنی وحی‌شناسی و آخرت‌شناسی را مفصل‌تر از تمام دیگر علوم رساله مطرح کرده است. این موضوع کاملاً دینی در اینجا از منظر عقلی و به شیوه فلسفی مورد بحث قرار می‌گیرد. در وحی‌شناسی فلسفی کیفیت نزول وحی، ویژگیهای ملک موکل وحی روح‌الامین و روح‌القدس، چگونگی محسوس شدن وحی، معجزات و اخبار از غیب، الهام و کرامات اتقیاء ابرار مطالعه می‌شوند. در آخرت‌شناسی فلسفی دو موضوع معاد روحانی و معاد جسمانی مطرحند. به نظر ابن سینا معاد روحانی را عقل و شرع ضروری می‌دانند، معاد جسمانی را شرع تجویز کرده و عقل هم با آن مخالفتی ندارد. وی معرفت معاد روحانی را منحصرأً عقلی و معرفت معاد جسمانی را منحصرأً از طریق وحی و شریعت میسر می‌داند. در انتهای آخرت‌شناسی فلسفی که مفصل‌ترین علم مورد بحث در رساله اقسام الحکمة است، ابن سینا نبوت را متمم عقل دانسته، به یک قاعده مهم اشاره می‌کند:

«هر آنچه [امور غیر ممنوع الوجودی] که عقل با دلیل به اثبات وجود و جوبش نرسد، فقط عقلاً جائز است، پس [اگر] نبوت بر وجود یا عدم چنین اموری فصلی منعقد کرد، [از آنجا که] صدق نبوت نزد عقل محرز است، معرفت عقل در آنچه از معرفتش قاصر بود، [با پذیرش از وحی] تمام [و کامل] می‌شود».

ابن سینا بالاخره به قلمروی اشاره کرد که عقل بیش از جواز و امکان در آن ورودی ندارد و حاکم به ضرورت یا امتناع وحی و شریعت است. معاد جسمانی از مصادیق بارز این قلمرو است. لازمه قاعده فوق، اذعان به محدودیت ادراک عقلی و خضوع عقل در برابر مفاد وحی در قلمرو یاد شده است. پیش از ابن سینا کندی نیز چنین موضعی پیش گرفته بود. البته فارابی در این موضع راهی متفاوت رفته است. مقایسه رویکرد این دو حکیم شهیر در مسئله خطیر نسبت دین و فلسفه مقام و

مقالی دیگر می‌طلبید.

• بخش دوم: اقسام حکمت در دیگر آثار ابن سینا

ابن سینا حداقل در چهار اثر دیگر خود مسئله تقسیم حکمت یا اقسام علوم را مورد بحث قرار داده است: کتاب الشفاء، دانشنامه علائی، عیون الحکمه، و حکمه المشرقیین. مروری در این مباحث چهارگانه به ایضاح مفاد رساله مورد بحث می‌افزاید.

۱. تقسیم حکمت در کتاب الشفاء ابن سینا

ابوعلی سینا در فصل دوم از مقاله اولی مدخل منطق شفا به تفصیل تقسیم دوگانه حکمت به نظری و عملی و تقسیم ثانوی سه‌گانه هر یک از دو حکمت را مورد بحث قرار داده است. بر این اساس علم طبیعی از موجوداتی بحث می‌کند که در تصور و قوام در حرکتند و هر نوعی از آنها به ماده مخصوصی تعلق دارند. ریاضیات عهده دار بحث از موجوداتی است که در تصور مفارق از حرکت و ماده‌اند اگرچه در قوام اینگونه نیستند. و علم الهی به موجوداتی اختصاص دارد که در تصور و قوام مفارق از ماده و حرکتند. شیخ به اجمال تقسیم اولیه دوگانه و تقسیم ثانوی سه‌گانه حکمت نظری را در فصل اول از مقاله اولی الهیات شفا نیز بحث کرده است.

ابن سینا پس از معرفی اجمالی اقسام سه‌گانه حکمت عملی به علم سیاست، تدبیر منزل و علم اخلاق در یک جمع‌بندی کلی درباره تمام اقسام حکمت می‌نویسد:

«صحت تمامی آنها با برهان نظری و شهادت شرعی محقق می‌شود.

هرچند تفصیل و تقدیر آنها با شریعت الهی حاصل می‌شود.»

این عبارت مجمل و موجز است. اگر تمامی آنها (جمع ذلک) را به حکمت عملی که اخیراً درباره آنها بحث می‌کرد راجع بدانیم، اگرچه با رأی وی در عیون الحکمه سازگار می‌شود، اما امکان اقامه برهان نظری در حکمت عملی جای تأمل دارد. اگر جمع ذلک را به مطلق حکمت اعم از نظری و عملی راجع بدانیم آنچنانکه

سیاق عبارت و جمله بعدی (غایت در فلسفه نظری معرفت حق و در فلسفه عملی معرفت معرفت خیر است) نیز دلالت بر اعمیت حکمت دارد، بعلاوه در غیر این صورت رابطه شریعت و حکمت نظری مغفول مانده است؛ در این صورت صحت عبارت در گرو این است که برهان نظری را ناظر به حکمت نظری، شهادت شرعی را ناظر به حکمت عملی، و حصول تفصیل و تقدیر از سوی شریعت الهی را نیز ناظر به حکمت عملی بدانیم. و الا نه صحت قضایای حکمت نظری در گرو شهادت شرعی است و نه تفصیل و تقدیر آنها با شریعت الهی حاصل می‌شود. به هر حال شیخ در *عیون الحکمه* ارتباط حکمت و شریعت را واضح‌تر از مدخل منطقی شفا تبیین کرده است.

۲. تقسیم حکمت در *دانشنامه علائی*

ابن سینا در دیباچه الهیات *دانشنامه علائی* تقسیم حکمت به نظری و عملی و بخش‌های سه‌گانه هر یک را با زیباترین واژه‌های فارسی به اجمال توضیح داده است:

«علمهای حکمت دو گونه بوند: گونه‌ای آن بود که از حال کُنش ما آگاهی دهد و این را علم عملی خوانند، زیرا که فایده وی آن است که بدانیم ما را چه باید کردن تا کار این جهانی ما ساخته باشد و کار آن جهانی امیدوار بود. و دیگر آن بود که از حال هستی چیزها ما را آگاهی دهد، تا جان ما صورت خویش بیابد و نیکیخت آن جهانی بود، چنانکه بجای خویش پیدا کرده‌اید، و این علم را نظری خوانند. و هر علمی از این دو علم سه گونه بود.»

اما علم عملی سه گونه است: علم تدبیر عام مردم تا آن انبازی که ایشان را بدو نیاز است بر نظام بود؛ و این بر دو گونه است: یکی علم چگونگی شرایع، و دومی چگونگی سیاسات و نخستین اصل است و دوم شاخه و خلیفه. و اما علم دیگر علم تدبیر خانه است تا آن انبازی که اندر يك خانه افتد زن و شوی را و پدر و فرزند را و خداوند و

رهی را بر نظام بود. و سوم علم خود است که مردم بنفس خویش چگونه باید که بود. پس چون حال مردم یا به تنهایی خویش بود یا به انبازی، و انبازی یا به هم‌خانگان بود یا به هم‌شهریان، لاجرم علم عملی سه گونه بود: یکی علم تدبیر شهر، دیگر علم تدبیر خانه، و سوم علم تدبیر خود.

اما علم نظری بر سه گونه بود: یکی را علم برین خوانند و علم پیشین و علم آنچه سپس طبیعت است خوانند، و یکی را علم میانگین و علم فرهنگ و ریاضت خوانند و علم تعلیمی خوانند، و یکی را علم طبیعی و علم زیرین خوانند.»

نکات تازه متن فاخر دانشنامه به قرار ذیل است:

۱. تقسیم علم عام تدبیر مردم به علم چگونگی شرایع و علم چگونگی سیاسات.

۲. نسبت شرایع به سیاسات. اولی به مثابه اصل، و دومی به مثابه شاخه و فرع.

۳. این نحوه نگرش به نسبت دیانت و سیاست لوازم و نتایج فراوانی دارد، که در دنبال به آن خواهیم پرداخت.

۳. تقسیم حکمت در عیون الحکمه ابن سینا

در آغاز طبیعیات کتاب عیون الحکمه شیخ به اختصار پس از تقسیم حکمت به نظری و عملی به اقسام سه‌گانه هر یک می‌پردازد. او حکمت عملی را به حکمت مدنی، حکمت منزلیه و حکمت خَلْقِیَه تقسیم می‌کند. به نظر وی:

«مبدأ این سه مستفاد از شریعت الهی است و کمالات حدود آن نیز توسط شریعت الهی تبیین می‌شود. بعد از آن قوه نظریه انسانی با معرفت قوانین عملی متخذ از ایشان و بکارگیری این قوانین در

جزئیات، در این امور تصرف می‌کند.»

ابن‌سینا در وجه تقسیم حکمت نظری با محوریت حرکت و تغییر، حکمت طبیعی را متعلق به اموری می‌شمارد که در حرکت و تغییرند. حکمت ریاضی از اموری بحث می‌کند که اگرچه وجودشان متغیر است اما ذهن می‌تواند آنها را از تغییر تجرید کند. و بالاخره فلسفه اولی متکفل بحث از اموری است که وجودشان مستغنی از همنشینی با تغییر است، و اگر هم با تغییر هم‌نشین شود بالعرض خواهد بود نه اینکه بالذات در تحقق وجود نیازمند تغییر باشد. حکمت الهی یا ربویات یا الهیات بالمعنی الاخص جزئی از حکمت اولی است. به نظر ابن‌سینا در عیون الحکمة:

«مبادی هر سه شاخه حکمت نظری بر سبیل تنبیه مستفاد از صاحبان دین الهی است و با کمک قوه عقلی بر سبیل حجت برای تحصیل کمال در آن تصرف می‌شود.»

بنابراین از منظر ابن‌سینا در *عیون الحکمة* اولاً مبادی مطلق حکمت مستفاد از دین و شریعت الهی است، هرچند این استفاده در حکمت نظری تنبیهی است، اما در حکمت عملی این نیاز فراتر از استفاده تنبیهی است. ثانیاً در حکمت عملی علاوه بر مبادی، کمالات حدود نیز متخذ از دین و وحی است، در حالی که در حکمت نظری تحصیل این موارد عقلی است. ثالثاً شأن عقل در حکمت عملی تنها تطبیق کلیات بر جزئیات است، اما در حکمت نظری علاوه بر دو نکته پیشین، اقامه حجت نیز برعهده عقل است. این دیدگاه درست در نقطه عکس دیدگاه فارابی قرار می‌گیرد. فارابی در کتاب *الملة* تصریح کرده است: «همه شرایع فاضله تحت فلسفه عملیه‌اند»، همچنانکه جزء نظری ملت و دین ذیل کلیات فلسفه نظری قرار می‌گیرد. یعنی بین دین و فلسفه رابطه جزئی و کلی برقرار است، دین جزئی و فلسفه (نظری و عملی) کلی است. و این درست برعکس نسبت اصل و فرع (شریعت اصل و حکمت عملی و نظری فرع البته بر دو وجه مختلف) از دیدگاه ابن‌سینا است.

۴. تقسیم علوم در حکمت المشرقیین ابن‌سینا

اما بیان شیخ در مقدمه حکمة المشرقیین در تقسیم علوم از مواضع قبل متفاوت و حاوی نکاتی منحصر به فرد است. او ابتدا مطلق علوم (اعم از حکمت) را در تقسیم اولی به دو قسم تقسیم می‌کند: اول علوم موسمی که احکامشان تنها در برهه‌ای از زمان صلاحیت اجرا دارد. دوم علمی که احکام آنها نسبت به جمیع اجزاء روزگار متساوی النسبه است. دسته دوم به اینکه حکمت نامیده شوند سزاوارترند. دسته دوم یعنی حکمت به اصول و توابع و فروع تقسیم می‌شوند. او غرض از بحث را در علوم اصلی منحصر می‌داند و نیازی به بحث از علوم فرعی نمی‌بیند.

شیخ‌الرئیس آنگاه علوم اصلی را به علوم آلی و غیر آلی تقسیم می‌کند. علوم آلی که منحصر در علم منطقی است آلت و خادم دیگر علوم است. اما علوم اصلی غیر آلی به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شوند. هر یک از دو علم نظری و عملی به چهار علم تقسیم می‌شوند. اما اقسام چهارگانه علم نظری عبارتند از: علم طبیعی، علم ریاضی، علم الهی و علم کلی. قسم سوم یعنی علم الهی عهده‌دار بحث از امور مباین ماده و حرکت در تصور و در قوام است. در این علم از مجردات تامه بحث می‌شود از قبیل حق تعالی و عقول. این علم قریب به الهیات بالمعنی الاخص می‌باشد. قسم چهارم متکفل بحث از اموری است گاهی همنشین ماده‌اند و گاهی مفارق از ماده. نه مشروط به همنشینی با ماده‌اند نه مشروط به مفارقت از ماده. اینها کلی‌ترین احکام وجودند. معقولات ثانیه فلسفیه از قبیل وحدت و کثرت، کلی و جزئی، علت و معلول. این علم قریب به الهیات بالمعنی الاعم است. شیخ اذعان دارد که این تقسیم متعارف نیست. اما انصاف مطلب این است که این تقسیم به مراتب از تقسیم متعارف قابل دفاع تر است.

ابن‌سینا در تقسیم رباعی مشابهی علم عملی را نیز به علم اخلاق، تدبیر منزل، علم سیاست و صناعت شارعه تقسیم می‌کند. از آنجا که هر مشارکتی متکی به قانون مشروع و متولی آن قانون مشروع است که رعایت، عمل و حفظ آن را بر عهده دارد، اگر این قانون شریعت الهی و آن مقنن پیامبر باشد، به مشارکت کلی (سیاست) و

جزئی (تدبیر منزل) مبتنی بر آن «صناعت شارعه» گفته می‌شود. این صنعت از جانب خداوند است، و عقل انسانی را نرسد که آن را به عهده گیرد. اگرچه این تقسیم نیازمند ایضاح بیشتری است، اما بی‌شک از تقسیم مصطلح در شرق اسلامی قابل دفاع‌تر است، چرا که به هر حال دیدگاه شریعت در حوزه علوم عملی از منظر فلسفی در علم مستقلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

• بخش چهارم: ابتکارات و امتیازات رساله

در این بخش ابتدا سیر تحول اندیشه ابن‌سینا را در بحث طبقه‌بندی حکمت بررسی می‌کنیم، آنگاه در مقایسه رأی ابن‌سینا با پیشینیان در این حوزه می‌پردازیم تا میزان اقتباس وی از حکیمان سلف مشخص گردد، سپس به ابتکارات و امتیازات رساله *اقسام/الحکمة* خواهیم پرداخت، تا قدر و قیمت این رساله تعیین گردد. در نهایت میزان پای‌بندی ابن‌سینا در آثارش به مفاد این رساله را بررسی می‌کنیم.

۱) سیر تحول اندیشه ابن‌سینا در تقسیم حکمت

ابن‌سینا پس از نگارش *اقسام/الحکمة* حداقل چهار بار دیگر به تقسیم حکمت و علوم دست یازیده است. بخشی از این تقسیم‌بندی عیناً در هر پنج مرحله حفظ و رعایت شده است، و بخشی دیگر دچار تطور و تحول و احیاناً تکامل شده است. در این مقام در پی وقوف به جزئیات این دو مطلب هستیم.

مشترکات پنج اثر شیخ در تقسیم حکمت عبارتند از:

۱. در حکمت *المشرقیین*، حکمت به آلی و غیر آلی تقسیم می‌شود. حکمت آلی منطق است. حکمت غیر آلی به نظری و عملی تقسیم می‌شود. اگرچه این تقسیم صریحاً در چهار اثر دیگر نیامده اما مفاد آن در همگی رعایت شده است.
۲. در هر پنج اثر منطق به سه جزء تقسیم شده است.

تفاوت این آثار بویژه رساله *با شفا*، *دانشنامه*، *عیون* و *حکمة المشرقیین* به شرح ذیل است:

۱. مقسم در رساله، شفا، دانشنامه و عیون، «حکمت» است، اما در حکمت‌المشرقیین «مطلق علوم» شامل علوم موسمی و علوم ثابت یعنی حکمت است.
۲. در رساله، شفا، دانشنامه و عیون، حکمت نظری به سه قسم طبیعی، ریاضی و الهی تقسیم شده است. اما در حکمت‌المشرقیین در تقسیمی رباعی حکمت نظری به طبیعی، ریاضی، الهی و کلی تقسیم می‌شود. علم الهی از مجردات تامه و علم کلی از احکام کلی وجود بحث می‌کند. علم کلی در رساله قسم اول الهیات و علم الهی معادل چهار قسم دیگر آن است.
۳. در رساله، شفا، دانشنامه و عیون، حکمت عملی به سه قسم اخلاق، تدبیر منزل و سیاست تقسیم شده است. اما در حکمت‌المشرقیین در تقسیمی رباعی حکمت عملیه به علم اخلاق، تدبیر منزل، علم سیاست و صناعت شارعه تقسیم شده است. ابن سینا در رساله و دانشنامه علم سیاست را متشکل از دو جزء دانسته، از آن با نام علم‌النوامیس و علم چگونگی شرایع یاد کرده، اما در حکمت‌المشرقیین آن را مستقل کرده است.
۴. ذکر منابع اصلی هر رشته مختص رساله است.
۵. بحث از علوم فرعی حکمت نظری اعم از ریاضی و طبیعی و الهی منحصرأ در رساله آمده است.
۶. نسبت حکمت و شریعت در هر پنج اثر مورد عنایت شیخ است. این نسبت به تدریج به سمت ابتناء حکمت بر شریعت و ازدیاد نقش وحی و شریعت تطور می‌یابد. ابن سینا در رساله به عدم مخالفت حکمت با شریعت اکتفا می‌کند. در شفا به این نتیجه می‌رسد که «صحت تمامی آنها [اقسام حکمت] با برهان نظری و شهادت شرعی محقق می‌شود. هرچند تفصیل و تقدیر آنها با شریعت الهی حاصل می‌شود». در دانشنامه تأکید می‌کند که «علم چگونگی شرایع اصل است و چگونگی سیاسات شاخه و خلیفه». از منظر ابن سینا در عیون/الحکمة اولاً مبادی مطلق حکمت مستفاد از دین و شریعت الهی است، هرچند این استفاده در حکمت نظری تنبیهی است، اما در حکمت عملی این نیاز فراتر از استفاده تنبیهی است.

ثانیاً در حکمت عملی علاوه بر مبادی، کمالات حدود نیز متخذ از دین و وحی است، در حالی که در حکمت نظری تحصیل این موارد عقلی است. ثالثاً شأن عقل در حکمت عملی تنها تطبیق کلیات بر جزئیات است، اما در حکمت نظری علاوه بر دو نکته پیشین، اقامه حجت نیز برعهده عقل است. در *حکمة المشرقیین* صناعت شارعه، علمی الهی و برتر از عقل بشر معرفی شده است.

۲) میزان اقتباس ابن سینا از حکیمان سلف

چکیده تحقیقات حکیمان پیش از ابن سینا در تقسیم حکمت به شرح ذیل است:

۱. تقسیم رئیسه حکمت به نظری و عملی: رساله *التنبیه علی سبیل السعادة* فارابی و *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

۲. تقسیم حکمت نظری به اقسام سه‌گانه ریاضی، طبیعی و الهی: رساله *التنبیه علی سبیل السعادة* فارابی و *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

۳. تقسیم علوم اصلی ریاضی به چهار قسم، رساله «*کمیة کتب أرسطوطاليس و ما يحتاج الیه فی تحصیل الفلسفة*» کندی.

۴. تقسیم علوم اصلی طبیعی به هشت قسم: رساله کندی، کتاب *احصاء العلوم* و رساله «*ما ینبغی آن یقدم قبل تعلیم فلسفة ارسطو*» فارابی.

۵. تقسیم علم اصلی الهی (دو قسم: وجود شناسی، خداشناسی): رساله کندی؛ (سه قسم: وجودشناسی، تعیین مبادی علوم نظری، مجردشناسی): کتاب *احصاء العلوم* فارابی.

۶. تقسیم حکمت عملی به اقسام سه‌گانه: رساله «*ما ینبغی ان یقدم قبل تعلیم فلسفة ارسطو*» فارابی و *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

۷. اقسام نه‌گانه منطق: *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

بی‌شک ابن سینا در موارد فوق از کتب و رسائل پیشینیان خود بهره برده است.

۳) ابتکارات و امتیازات رساله *اقسام الحکمة*

اما ابن سینا به میراث سلف صالح چه افزود؟ در پاسخ به این سؤال اساسی می‌توان به امتیازات و ابتکارات ذیل در دو قسمت اشاره کرد:

اول: تثبیت مسأله در حکمت دوران اسلامی علیرغم غیر ابتکاری بودن آن:

۱. تبدیل «تقسیم حکمت به نظری و عملی» به تقسیم اصلی دوران اسلامی (با توجه به بی‌سابقگی این تقسیم در آثار کندی و *احصاء العلوم فارابی*).
۲. تقسیم ثلاثی حکمت عملی و احتساب تدبیر منزل به عنوان یک علم مستقل (با توجه به بی‌سابقگی این تقسیم در آثار کندی و *احصاء العلوم و التنبیه علی سبیل السعادة فارابی*).
۳. منطوقه جزئی با اضافه کردن ایساغوجی فورفریوس به هشت جزء ارسطویی (با توجه به بی‌سابقگی در آثار کندی و آثار یاد شده فارابی).
۴. تثبیت تقسیم رباعی علوم اصلی ریاضی (با توجه به بی‌سابقگی و عدم تفکیک علوم اصلی و فرعی در آثار فارابی).

دوم: ابتکارات و امتیازات رساله *اقسام الحکمة*:

۱. تقسیم سیاست مدنی به علم مُلک و علم نوامیس برای نخستین بار در این رساله صورت می‌گیرد.
۲. علم نوامیس (دین‌شناسی فلسفی) برای نخستین بار توسط ابن‌سینا در این رساله تأسیس می‌شود.
۳. عدم مخالفت حکمت با وحی و شریعت، اعتبار احکام وحی در حوزه ممکنات عقلی، و اذعان به محدودیت ادراک عقلی و خضوع عقل در برابر مفاد وحی در قلمرو یاد شده از ابتکارات این رساله است. این راه که با کندی آغاز شد، با ابن‌سینا به بالندگی رسید و با رویکرد اصالت فلسفه فارابی به کلی متفاوت است.
۴. فصول حکمت عملیه و حکمت الهیه این رساله در عین ایجاز حاوی مهم‌ترین آراء ابن‌سینا و از مهم‌ترین منابع حکمت دوران اسلامی است.
۵. ابن‌سینا در رساله، ۲۶ کتاب مرجع در رشته‌های مختلف حکمت از جمله ۲۰ کتاب ارسطو را معرفی کرده است. این رساله از زاویه «منبع‌شناسی فلسفی» یکی از سه اثر اصلی دوران اسلامی است.

۶. علوم اصلی الهی از ۳ مورد (در احصاء العلوم) به ۵ مورد افزایش یافته است. ابن سینا مجردشناسی فارابی را به سه بخش خداشناسی، عقل شناسی و نفوس سماوی تجزیه کرد. جزئیات و تفصیل هر پنج بخش با ابن سینا به اوج خود می‌رسد.

۷. دو علم مهم وحی شناسی فلسفی و آخرت‌شناسی فلسفی به‌عنوان علوم فرعی الهی برای نخستین بار توسط ابن سینا در این رساله مطرح می‌شوند. ابن سینا در شرح این دو علم به نکات مهم فلسفی در باب وحی و معاد جسمانی اشاره کرده است.

۸. علوم فرعی ریاضی توسط ابن سینا از ۳ مورد (در احصاء العلوم فارابی) به ۱۱ ، و علوم فرعی طبیعی از ۲ مورد (در مفاتیح العلوم) به ۷ مورد در رساله افزایش یافته است.

(۵) بررسی میزان پایبندی ابن سینا در آثارش به مفاد رساله أقسام الحکمة ابن سینا پس از نگارش این رساله آثار متعددی در شاخه‌های مختلف حکمت تدوین کرد. این آثار با طبقه‌بندی رساله أقسام الحکمة به چه میزان سازگار است؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال مهم در حوزه اخلاق علمی نکات ذیل یادکردنی است:

۱. فهرست آثار مسلم الانتساب ابن سینا حاکی از آن است که او به ندرت خارج از حوزه حکمت قلم زده است. آثار غیر حکمی او انگشت شمارند: ثلاث قصائد ضمنها الفاظاً الفاظاً غریبه فی اللغة؛ کتب ثلاث کتب احدها علی طریقه ابن العمید، و الآخر علی طریقه الصابی، و الآخر علی طریقه الصاحب؛ کتاب لسان العرب؛ مقالة فی اسباب حدوث الحروف و مخارجها. بسیاری از این آثار کلاً یا جزئاً به زمان ما نرسیده است. آثار باقی‌مانده نیز خالی از جنبه حکمی نیست. آثار عرفانی شیخ از قبیل رساله حی بن یقظان، رساله الطیر و انماط ثلاثه اخیر الاشارات و التنبيهات را نیز می‌توان در زمره حکمت الهی بالمعنی الاعم دانست، هرچند مناسب‌تر آن است که آنها را حاکی از تحول منظر شیخ

در معرفت عقلانی بدانیم.

۲. اکثر قریب به اتفاق آثار مسلم الانتساب ابن سینا، در قلمرو حکمت نظری است. شیخ در تدبیر منزل و علم سیاست کتاب مستقل مسلم الانتسابی بجا نگذاشته است. در علم اخلاق تنها دو اثر «کتاب البر و الاثم فی الاخلاق» و «رساله العهد» را نگاشته است. آنچه‌آنکه در مقدمه شفا گفته است فشرده‌ای از علم اخلاق و سیاست را در انتهای علم مابعد الطبییه که از اقسام حکمت نظری است، آورده است. ابن سینا خود تقسیم خویش را رعایت نکرده است. اگر سیاست حکمت عملی است جایش در الهیات شفا نیست، و اگر جایش در الهیات شفا است، دیگر تقسیم حکمت عملی و نظری به چه معنا است؟

۳. ابن سینا تقسیم نه جزئی منطق این رساله را در آثار منطقی خود رعایت کرده است.

۴. آثار ریاضی شیخ‌الرئیس حاکی از انطباق آنها با تقسیم‌بندی رباعی او در این رساله است.

۵. آثار طبیعی ابن سینا جزئی تفاوتی با تقسیم هشت‌گانه او در این رساله دارد. ۶. از تألیفات شیخ‌الرئیس در فروع ریاضی و طبیعی، آثار طبی بسیار مهم او به ویژه «کتاب القانون فی الطب» قابل ذکر است. در میان آثار مسلم الانتساب او تألیف دیگری در این دو حوزه مشاهده نمی‌شود.

۷. در میان تألیفات متعدد شیخ در الهیات بخش اول (امور عامه) و بخش سوم (ربوبیات) به وفور به چشم می‌خورد. از بخش دوم (مبادی دیگر علوم) مطلقاً (چه به صورت تألیف مستقل، چه به صورت فصل مجزا) در آثار وی خبری نیست. او تألیف مستقلی درباره بخش سوم (عقول) و بخش چهارم (نفوس فلکی) نیز تدوین نکرده، هرچند فصول مستقلی را به این دو بخش در تألیفات اصلی‌اش اختصاص داده است.

۸. اگرچه از وحی‌شناسی فلسفی تألیف مستقلی از ابن سینا در آثار مسلم الانتسابش در دست نیست، اما در آخرت‌شناسی فلسفی و علم النفس فلسفی

او علاوه بر دائرة المعارف‌های ارزنده‌اش چندین تألیف مستقل بجا نهاده است: کتاب المبدء و المعاد؛ کتاب المعاد الاصغر؛ رساله فی النفس علی طریق الدلیل والبرهان؛ مقاله فی تحصیل السعادة و تعرف بالحجج العشرة.

۹. ابن سینا در هر ۹ علم منطقی، هر ۸ علم اصلی طبیعی، هر ۴ علم اصلی ریاضی تألیف دارد. اگرچه درباره کلیه مطالب پنج‌گانه اصلی و دوگانه فرعی علم الهی قلم زده است، اما تألیفات مستقل هفت‌گانه‌ای در شعب مختلف علم الهی ندارد. حتی الهیات او به شیوه تقسیم پنج‌گانه اصلی و دوگانه فرعی مذکور در این رساله فصل‌بندی هم نشده است. به یک معنی طرح تقسیم علم الهی رساله اقسام الحکمه حتی توسط خود مؤلف هم اجرا نشده است، چه برسد به دیگر فلاسفه. به بیان دیگر تقسیم علم الهی به ۷ قسمت اصلی و فرعی در دوران اسلامی هرگز پذیرفته نشده است، و چنین علوم مستقلی تدوین نشده‌اند.

• بخش پنجم: تأثیر رساله اقسام الحکمه ابن سینا در بحث طبقه‌بندی حکمت و علوم برای بررسی تأثیر رساله اقسام الحکمه ابن سینا در تاریخ طبقه‌بندی حکمت و علوم، پنج متفکری که در این حوزه صاحب تألیفند، برگزیدیم: غزالی و احیاء علوم الدین؛ فخر رازی و جامع العلوم؛ خواجه نصیرالدین طوسی و اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمه؛ شهرزوری و الشجرة الالهیه؛ قطب‌الدین شیرازی و درة التاج؛ و رساله ابن سینا را با هر یک از آنها به شرح ذیل مقایسه کردیم؛ و در انتها بر اساس این مطالعات تطبیقی موردی، میزان نفوذ رساله را در رشته خود ارزیابی کرده‌ایم.

۱. غزالی و احیاء علوم الدین

امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰) در کتاب «المنقذ من الضلال» دانش پژوهان روزگار خود را به چهار طبقه متکلم فیلسوفان، باطنیه (تعلیمی یا اسماعیلیه) و صوفیه (عرفا) تقسیم می‌کند. در کتاب العلم از کتاب «احیاء علوم الدین» و نیز «الرسالة اللدنیة» علوم را به دو طبقه شرعی (ماخوذ از انبیاء) و عقلی (که تنها از طریق عقل قابل دستیابی‌اند) تقسیم کرده است.

غزالی علوم شرعی را به دو دسته علم اصول و علم فروع تقسیم کرده است. علم اصول عبارت است از: علم توحید، علم نبوت، علم معاد، علم منابع معرفت شرعی (شامل دو منبع اصلی کتاب و سنت، و دو منبع فرعی اجماع امت و آثار صحابه). علم منابع شرع از علوم مقدماتی (علوم ادبی) و متمم برخوردار است. علوم قرآنی، علوم احادیث نبوی، اصول فقه و سیره از زمره علوم متمم منابع شرع محسوب می‌شوند. علم فروع به سه شاخه تقسیم می‌شود: تکلیف انسان نسبت به خداوند (عبادات)، تکلیف انسان نسبت به جامعه (معاملات و حقوق خانواده) و تکلیف انسان نسبت به نفس خود (علم اخلاق). علم عقلی از نظر غزالی به چهار دسته ریاضیات (حساب، هندسه، نجوم و هیأت، موسیقی)؛ منطق؛ طبیعیات (طب، هواشناسی، معدن شناسی، کیمیا) و علم ماوراء الطبیعه یا مابعدالطبیعه (وجود شناسی، ربوبیات، علم جواهر عقلی بسیط باشعور، علم عالم لطیف، علم نبوت ولایت و رؤیا، نیرنجیات).

غزالی در «مقاصد الفلاسفه» فلسفه یا علم حکمی را به نظری و عملی تقسیم می‌کند. در «الرساله اللدنیة» علوم را به حصولی و حضوری تقسیم کرده است. در «جواهر القرآن» سخن از تقسیم فقهی علوم به واجب عینی و واجب کفائی گفته است. در احیاء از تقسیم علوم به دنیوی و اخروی نیز به چشم می‌خورد. (بکار، ۱۳۸۱، ص ۲۵۳-۲۴۷)

مقایسه تقسیم‌بندی‌های بویژه تقسیم عقلی شرعی غزالی با تقسیم‌بندی‌های فارابی و ابن‌سینا به نتایج ذیل منجر می‌شود:

۱. تقسیم‌بندی رئیسه عقلی شرعی در آثار غزالی از جمله مؤثرترین و مهمترین تقاسیم علم در دوران اسلامی است، که رویکرد متکلمانه وی را از رویکرد فیلسوفانه فارابی و ابن‌سینا متمایز می‌کند.
۲. از نظر فارابی علوم ادبی در زمره علوم شرعی است و لذا مختص زبان عربی است. حال آنکه به نظر فارابی در احصاء اولاً علوم ادبی یک دانش مستقل است. ثانیاً وسیله‌ای برای تمام علوم است نه فقط علوم دینی. و ثالثاً شامل همه زبانهاست نه مختص زبان عربی.

۳. غزالی به تبع ابن‌سینا منطق را یکی از علوم عقلی به حساب آورده است. هرچند فارابی و ابن‌سینا آن را مقدمه فلسفه و علم آلی شمرده‌اند، اما غزالی آن را یکی از اجزای چهارگانه فلسفه قلمداد کرده است.
۴. غزالی در سه قسم دیگر علوم عقلی (ریاضیات، طبیعیات و الهیات) از فارابی و بویژه ابن‌سینا تبعیت کرده است.
۵. غزالی به تبع ابن‌سینا طب و کیمیا را به علوم طبیعی افزوده است.
۶. غزالی همچون ابن‌سینا علم نیرنجیات را به فهرست علوم افزوده است، اما برخلاف ابن‌سینا آن را در زمره علوم الهی محسوب داشته نه طبیعی.
۷. غزالی در تقسیم علوم مابعدالطبیعه به شدت وامدار ابن‌سینا است.
۸. تفاوت اصلی غزالی با فارابی و ابن‌سینا از جمله در حذف کامل حکمت عملی از علوم عقلی، و ارجاع علم اخلاق و سیاست به علوم شرعی فرعی است. هر چند او در استقلال اخلاق از سیاست متأثر از ابن‌سیناست.

۲. فخر رازی و جامع العلوم

امام فخرالدین محمد بن عمر رازی (۶۰۶-۵۴۳) در کتاب فارسی جامع العلوم یا *حدائق الانوار فی حقائق الاسرار* معروف به کتاب ستینی (نگارش سال ۵۷۴) علوم متداول زمانه خود را گرد آورده، از هر يك سه مسئله اصلی و سه مسئله غامض و سه مسئله امتحانی «تا قصور اندك بضاعتان این علم در آن روشن شود» را ذکر و شرح داده است. او کتاب خود را با علم کلام آغاز کرده و پس از بحث در چهارده علم دینی به توضیح درباره هفت علم ادبی پرداخته است. منطق بیست و دومین علم مورد نظر اوست. علوم مقالات اهل عالم، الآخرة و الدعوات (شماره‌های ۵۳، ۵۷ و ۵۸) نیز ملحق به علوم دینی است.

علوم طبیعی اصلی (يك علم) و فرعی (۱۳ علم) مورد بحث فخر رازی به ترتیب عبارتند از: طبیعیات، تعبیر، علم الفراسة، طب، تشریح، علم صیدیه (دارو شناسی)، علم الخواص، علم اکسیر، علم الجواهر (شناخت سنگهای قیمتی)، طلسمات، فلاح، علم قلع آثار (زدودن لکه‌های لباس)، علم البيطرة (دامپزشکی)، علم البراة

(بیماری‌های باز).

فخر رازی به چهار علم اصلی و ۱۴ علم فرعی ریاضی و ملحقات آن (۲ مورد) به ترتیب ذیل پرداخته است: هندسه، مساحت، علم الاثقال، علم آلات حربیه، حساب هندی، علم الحساب الهوای، جبر و مقابله، علم الالة ثماطیقی [ارثماطیقی]، علم عداد الوفق، علم المناظره [المناظر و المرايا]، موسیقی، هیئت، احکام نجوم، رمل، علم العزائم. علم شطرنج (۶۰) نیز ملحق به این قسمت است.

الهیات پنجاه و دومین علم در کتاب جامع العلوم است. فخر رازی حکمت عملی را در ضمن چهار علم اخلاق، سیاسات، تدبیر منزل و آداب ملوک بررسی می‌کند. اگر چه کتاب جامع العلوم در نوع خود منحصر به فرد است و گردآوری نه مسئله از هر علم در کنار هم آن را متمایز از کتب تقسیم علم و حکمت کرده است، اما تأثیر ابن سینا را در دو ناحیه در کتاب فخر رازی می‌توان مشاهده کرد، یکی آنچه او به تأیید یا نقد از شفا و قانون شیخ‌الرئیس نقل می‌کند. دیگری رعایت تقسیمات رساله ابن سینا در سه موضع است: یکی حکمت عملی، دیگری علوم فرعی ریاضی و سوم علوم فرعی طبیعی با برخی افزایشهای جزئی در دو ناحیه اخیر. جالب اینجاست که در عصر فخر رازی اهتمام مسلمین به علوم اصلی ریاضی و طبیعی و الهی کم شده، به همان میزان بازار برخی علوم فرعی افزایش فراوان یافته است.

۳. محقق طوسی، اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمة

خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمدبن محمد طوسی (۶۷۲-۵۹۷) در کتاب اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمة به تقسیم حکمت مبادرت کرده است. اما در اخلاق ناصری آنچه متفاوت با رساله ابن سیناست به این شرح است: در تقسیم علم مابعدالطبیعه آن را به دو فن اصلی علم الهی و فلسفه اولی، و فروعی از قبیل معرفت نبوت و شریعت و احوال معاد تقسیم کرده است. در فروع علم ریاضی و طبیعی، طوسی در هر يك به ذکر سه نمونه اکتفا کرده است. محقق طوسی پس از تقسیم ثلاثی حکمت عملی به نکات قابل توجهی اشاره کرده است:

«و بیاید دانست که مبادی مصالح اعمال و محاسن افعال نوع بشر که مقتضی نظام امور و احوال ایشان بود در اصل یا طبع باشد یا وضع؛ اما آنچه مبدأ آن طبع بود آنست که تفصیل آن مقتضای عقول اهل بصارت و تجارب ارباب کیاست بود و به اختلاف ادوار و تقلب سیر و آثار مختلف و متبدل نشود، و آن اقسام حکمت عملی است که یاد کرده آمد.

و اما آنچه مبدأ آن وضع بود اگر سبب وضع اتفاق رای جماعتی بود بران آن را آداب و رسوم خوانند، و اگر سبب اقتضای رأی بزرگی بود مانند پیغمبری یا امامی، آن را نوامیس الهی گویند؛ و آن نیز سه صنف باشد: یکی آنچه راجع با هر نفسی بود به انفراد، مانند عبادات و احکام آن؛ و دوم آنچه راجع با اهل منازل بود به مشارکت، مانند مناکحات و دیگر معاملات؛ و سیم آنچه راجع با اهل شهرها و اقلیمها بود مانند حدود و سیاسات؛ و این نوع علم را علم فقه خوانند.

و چون مبدأ این جنس اعمال مجرد طبع نباشد وضع است، به تقلب احوال و تغلب رجال و تطاول روزگار و تفاوت ادوار و تبدل ملل و دول در بدل افتد. و این باب از روی تفصیل خارج افتد از اقسام حکمت، چه نظر حکیم مقصور است بر تتبع قضایای عقول و تفحص از کلیات امور که زوال و انتقال بدان متطرق نشود و به اندراس ملل و انصرام دول مندرس و متبدل نگردد، و از روی اجمال داخل مسائل حکمت عملی باشد.» (ص ۴۱-۴۰)

دیدگاه ابن‌سینا در مقایسه با فارابی اگرچه اصالت فلسفی نبود، اما نگرش فلسفی‌اش را حتی به مقوله دین و اجزای آن تا به آخر حفظ کرد. بر این اساس علم نوامیس در ابن‌سینا به نوعی فلسفه دین بود، اما در طوسی به علم نقلی فقه که به تفصیل خارج از اقسام حکمت است، انجامید.

اما «رساله اقسام الحکمه» خواجه نصیر الدین طوسی که علی القاعده می‌باید از کارهای دوران جوانی وی باشد، تلخیص رساله اقسام الحکمه ابن‌سینا است، بی‌آنکه کمترین اشاره‌ای به این تلخیص و اقتباس از جانب مصنف یا مصحح صورت بگیرد. محقق طوسی در تلخیص خود تعریف و تشریح اکثر اقسام حکمت را (به استثنای طلسمات، نیرنجات، کیمیا و فروع علم الهی که مختصر شده‌اند) حذف کرده است. در رساله طوسی به عناوین کتب مرجع رشته‌های فلسفی نیز نیازی دیده نشده است.

نصیرالدین طوسی در رساله ملخص خود به پنج علم از علوم فرعی هندسه (مذکور در رساله شیخ) اشاره‌ای نکرده است:

علم الحیل المتحرکه، علم الاوزان و الموازن، علم الالات الحریّة، علم المناظر و المرايا و علم نقل المیاه. در این رساله همچنین علم الزیجات و التقاویم از فروع علم هندسه شمرده شده است، که احتمالاً این سهو از جانب ناسخان صورت گرفته است. شیخ این علم را به حق از فروع علم هیئت معرفی کرده بود.

ناسخان از کتاب هفتم منطق یعنی جدل (طویبقا) نیز غفلت کرده‌اند. خواجه در پایان می‌گوید حکمت ۴۴ بخش است و اگر منطق را بشمار نیاوریم ۳۵ می‌شود. ترتیب اقسام حکمت در رساله طوسی دقیقاً با رساله ابن‌سینا مطابقت دارد.

۴. شهرزوری و الشجرة الالهیه

شمس‌الدین محمد شهرزوری (قرن ۷) در کتاب «رسائل الشجرة الالهیه فی علوم الحقایق الریائیة» فصل سوم رساله اولی را به تقاسیم علوم، وجه امتیاز و چگونگی شعب علوم اختصاص داده است. او علوم را به دو دسته آلی و غیر آلی تقسیم کرده است. علوم آلی، منطق و علوم ادبی را در بر می‌گیرد. علم غیر آلی همان حکمت است، که به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت نظری علوم طبیعی، ریاضی، الهی و علم کلی را در بر می‌گیرد. ریاضیات به چهار علم هیأت، هندسه، موسیقی و عدد تقسیم می‌شود. مراد از حکمت عملیه، علم اخلاق، حکمت منزلیه و حکمت مدنیه (علم سیاست و علم نوامیس) می‌باشد. شهرزوری آنگاه به معرفی علوم فرعی طبیعی، ریاضی و الهی و نیز اقسام نه‌گانه منطق پرداخته است.

اگرچه شهرزوری در این فصل نکاتی را از سه‌روردی در تفاوت حساب و هندسه نقل کرده و نیز بحثی را در نقد افضلیت طبیعیات و ریاضیات بر یکدیگر منعقد کرده است، اما این بخش از کتاب خود را یقیناً از روی رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا نگاشته است، بی‌آنکه به این مهم اشاره کند. شهرزوری بخش اعظم رساله ابن‌سینا را

عیناً بدون کمترین تغییری در الفاظ نقل کرده است، تا آنجا که می‌توان در تصحیح متن رساله از گزارش بی‌نام شهرزوری سود جست. ضمناً شهرزوری به علوم اصلی طبیعی عنایتی نکرده است.

۵. قطب‌الدین شیرازی و درة التاج

قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی (۷۱۰-۶۳۴) در کتاب با ارزش «درة التاج لغرة الدباج» (تاریخ نگارش ۶۹۳) در فصل سوم فاتحه کتاب، (صفحه ۶۹ تا ۱۸۰ جلد اول، تصحیح محمد مشکوة، تهران، ۱۳۱۷ش) علوم را به حکمی و غیر حکمی تقسیم کرده است. علوم حکمی به نظری و عملی و علوم حکمی نظری به مابعدالطبیعه، ریاضیات، طبیعیات و منطق تقسیم می‌شود. از نظر قطب‌الدین مابعدالطبیعه دو بخش اصلی (علم الهی و فلسفه اولی) و سه بخش فرعی (علوم نبوت و علم امامت و علم معاد) دارد. او در ریاضیات چهار علم اصلی و نه علم فرعی، و در طبیعیات هشت علم اصلی و هشت علم فرعی و منطق را در نه بخش معرفی کرده است. علوم حکمی عملی نیز حکمت خُلقی، حکمت منزلی و حکمت مدنی را در بر می‌گیرد. او سپس به تقسیم حکمت مدنی به علم سیاست (که تعلق به ملک دارد) و علم نوامیس (که تعلق به نبوت و شریعت دارد) در نزد بعضی حکما اشاره می‌کند. مهمترین علوم غیرحکمی علوم دینی‌اند که به علوم نقلی و عقلی از یک سو و اصول و فروع از سوی دیگر تقسیم می‌شوند. وی شقوق مختلف و مفصلی را برای علوم دینی برشمرده است.

تقسیم علوم حکمی در درة التاج متخذ از رساله ابن‌سیناست. موارد تفاوت آن بسیار جزئی و به شرح ذیل است:

۱. قطب‌الدین دو علم فرعی ریاضی یعنی «آلات حربیه» و «اتخاذ الات عجیبه» (به ترتیب از فروع هندسه و موسیقی) را ذکر نکرده است.
۲. او در عوض در فروع طبیعیات «علم فلاحه» را افزوده است.
۳. وی قسم اول الهیات یعنی امور عامه را «فلسفه اولی» نامیده است، ولی به قسم

دوم یعنی «مبادی دیگر علوم» اشاره‌ای نکرده است.
۴. قطب‌الدین سه قسم اخیر الهیات را تحت نام واحد «علم الهی» آورده است. در واقع علم الهی او دو فن دارد: فن اول، عقول و آثار آن در عالم جسمانی و روحانی؛ فن دوم، واجب‌الوجود، وحدانیت او، نعوت جلال او، و کیفیت فعل و عنایت او. وی بخش پنجم علم الهی (به روایت ابن‌سینا) را در ضمن فن اول علم الهی و مقاله هفتم فن دوم طبیعیات گنجانیده است.
۵. او در حکمت عملی تنها نام سه رشته حکمت را تغییر داده است و تقسیم حکمت مدنی به علم سیاست و علم نوامیس را از دیگران نقل کرده، هرچند آن را رد هم نکرده است.

۶. قطب‌الدین معرفت امامت را به فروع علم الهی افزوده است.
۷. قطب‌الدین به کتب هر رشته از حکمت اشاره نکرده است.

طبقه‌بندی علوم حکمی درة التاج به شدت از رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا متأثر است. قطب‌الدین تقسیم علوم ریاضی و طبیعی اعم از اصلی و فرعی را عیناً از ابن‌سینا اخذ کرده است. هر چند او در کتاب خود صاحب ابتکار نیز هست. تغییرات ایجاد شده توسط وی در الهیات به واقعیت این علم نزدیک‌تر است. چرا که در هیچ‌یک از آثار حکمی، مبادی دیگر علوم که در حکمت الهی تبیین و اثبات می‌شود، جداگانه مورد بحث قرار نگرفته است. بر همین منوال تفکیک احکام نفوس فلکی از کتاب نفس و بحث عقول. صبغه دینی دیدگاه قطب‌الدین در تبیین حکمت عملی و نسبت آن با شریعت نیز شدیدتر از ابن‌سینا است که این نیز با زمانه وی سازگارتر است.

۶. میزان نفوذ رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا

اکنون پس از بحث تطبیقی موردی رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا با پنج اثر مهم پس از وی در حوزه طبقه‌بندی حکمت و علوم نتایج ذیل قابل ذکر است:

۱. تأثیر رساله اقسام/الحکمة در پنج متفکر مورد بحث به ترتیب چنین است: اول، خواجه نصیر (رساله اقسام/الحکمة): اقتباس کامل؛ دوم، شهرزوری: اقتباس با

- پاره‌ای حذف و اضافات جزئی؛ سوم: قطب‌الدین شیرازی و اخلاق ناصری طوسی: اقتباس با پاره‌ای تغییرات غیر بنیادی؛ چهارم، غزالی: تأثیر در خطوط کلی؛ پنجم، فخر رازی: تأثیر در برخی موارد جزئی.
۲. غزالی در تقسیم علوم عقلی از فارابی و بویژه ابن سینا تبعیت کرده است. وی در تقسیم علوم مابعدالطبیعه به شدت وامدار ابن سینا است. تفاوت اصلی غزالی با فارابی و ابن سینا از جمله در حذف کامل حکمت عملی از علوم عقلی، و ارجاع علم اخلاق و سیاست به علوم شرعی فرعی است. هر چند او در استقلال اخلاق از سیاست متأثر از ابن سیناست.
۳. تأثیر ابن سینا در کتاب جامع العلوم فخر رازی در سه موضع است: یکی حکمت عملی، دیگری علوم فرعی ریاضی و سوم علوم فرعی طبیعی با برخی افزایشهای جزئی در دو ناحیه اخیر.
۴. خواجه نصیر الدین طوسی در اخلاق ناصری به شدت از رساله ابن سینا متأثر است. او تنها در تقسیم ثنوی سیاست مدن، رویکرد فلسفی به علم نوامیس و تقسیم علم اصلی مابعدالطبیعه با رساله ابن سینا تفاوت دارد. «رساله اقسام الحکمة» خواجه تلخیص رساله اقسام الحکمة ابن سینا است.
۵. شهرزوری فصل تقسیم حکمت الشجرة الالهية نکاتی را یقیناً از روی رساله اقسام الحکمة ابن سینا نگاشته است، بی آنکه به این مهم اشاره کند. شهرزوری بخش اعظم رساله ابن سینا را عیناً بدون کمترین تغییری در الفاظ نقل کرده است.
۶. طبقه‌بندی علوم حکمی درة التاج به شدت از رساله اقسام الحکمة ابن سینا متأثر است. قطب‌الدین تقسیم علوم ریاضی و طبیعی اعم از اصلی و فرعی را عیناً از ابن سینا اخذ کرده است. هر چند او در کتاب خود صاحب ابتکار نیز هست.
- رساله‌ای که بتواند متفکرانی چون محقق طوسی، شهرزوری، قطب‌الدین شیرازی را به اقتباس وادارد و متفکران صاحب مکتبی چون غزالی را به شدت و فخر رازی را

فی‌الجمله متأثر کند، جایگاه رفیعی در تاریخ طبقه‌بندی علوم در عالم اسلام دارد. رساله /قسام/ الحکمة ابن سینا بیش از کتاب /احصاء العلوم فارابی/ در حکیمان بعدی نافذ بوده است.

۲. مقدمه تحقیق

در این بخش از مقدمه به پنج مطلب به عنوان مقدمه تحقیق اشاره می‌شود. ابتدا درباره وجه انتساب رساله به ابن سینا بحث می‌کنیم. آنگاه با توجه به ذکر دو عنوان نزدیک به این رساله در برخی نسخ خطی رساله سرگذشت از وحدت یا تعدد این رساله سخن خواهیم گفت. سومین مطلب مهم عنوان رساله است: /قسام/ الحکمة یا /قسام العلوم العقلیة/ یا...؟ آنگاه کوشش کرده‌ایم بر اساس برخی قرائن زمان نگارش رساله را تعیین کنیم. و بالاخره در پنجمین مطلب از روش تحقیق متن رساله بحث کرده‌ایم.

• وجه انتساب رساله به ابن سینا

از این رساله در قدیمی‌ترین منابع ابن سینا پژوهی یاد شده است تا آنجا که می‌توان به اطمینان گفت که این رساله یکی از چهل اثری است که ابو عبید عبدالواحد جوزجانی (متوفی ۴۳۸) در «رساله سیرة الشیخ‌الرئیس» (نگارش بین ۴۲۸ تا ۴۳۸) در زمره آثار ابن سینا متذکر شده است. بر اساس تحقیق قریب‌الانتشار کتابشناسی جامع ابن سینا، این رساله سی و چهارمین اثر مسلم الانتساب ابن سینا می‌باشد. خلاصه این تحقیق به قرار ذیل است:

معتبرترین روایت «فهرست آثار ابن سینا» که به ترتیب روایات سوم و اول آن است، این رساله ذکر شده است:

روایت سوم: اثر ردیف شماره ۳۴ در فهرست موفق‌الدین ابوالعباس احمد بن قاسم ابن ابی‌اصیبعه سعدی خزرچی (۶۶۸-۶۰۰) در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء (نگارش ۶۴۰ یا ۶۴۷) (صفحه ۵ جلد ۲)؛ و فهرست جمال‌الدین ابوالحسن علی بن قاضی یوسف قفطی (۶۴۶-۵۶۳)؛ اخبار العلماء باخبار الحکماء به گزارش محمد بن

علی زورونی (صفحه ۴۱۸).

روایت اول: اثر ردیف شماره ۳۲ در فهرست ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بیهقی (۵۶۵-۴۹۹) در کتاب *تتمه صوان الحکمة / تاریخ حکماء الاسلام* (صفحه ۳۷) بر اساس نسخه خطی شماره ۷۳۷ کتابخانه برلن؛ و نسخه خطی شماره ۴۱۹۶/۱۰ کتابخانه ملک تهران با عنوان «ترجمة الحکیم الوزير شرف الملك ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری عفی الله تعالی عنه».

در دیگر روایات فهرست آثار ابن سینا، یعنی روایت دوم و چهارم که به ترتیب از اعتباری متوسط برخوردارند باز نام این رساله آمده است:

روایت دوم: اثر ردیف شماره ۳۶ در رساله «نکت جمعها الشیخ ابوعبید عبدالواحد الجوزجانی فی احوال الشیخ رئیس حجة الحق ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا و تواریخه المعروف بسرگذشت»، نسخه خطی شماره ۴۸۵۲^۱ ایاصوفیه، استانبول (و هفت نسخه مشابه آن)؛ و موفق الدین ابوالعباس احمد بن قاسم ابن ابی اصیبه سندی خزرچی (۶۶۸-۶۰۰) در کتاب *عیون الانباء فی طبقات الاطباء* (۶۴۰ یا ۶۴۷) در فهرست دوم آثار شیخ (صفحه ۱۹)؛ و اثر ردیف ۳۸ در رساله «سیره الشیخ رئیس رحمه الله و فهرست کتبه و ذکر احواله و تواریخه المعروف بسرگذشت» نسخه خطی ۴۷۵۵^{۲۳} دانشگاه استانبول.

روایت چهارم: اثر ردیف ۵۵ و ۵۶ در فهرست ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بیهقی (۵۶۵-۴۹۹) در *تاریخ حکماء الاسلام (تتمه صوان الحکمة)* در روایت دوم این کتاب (صفحه ۱۸۸ مطبوع بر اساس نسخ خطی شماره ۱۴۰۸ کتابخانه مراد ملای استانبول مورخ ۶۳۹ و نسخه خطی شماره ۴۹۴ کتابخانه بشیر آغای استانبول مورخ ۶۸۹). و اثر ردیف ۷۴ و ۷۵ در رساله سرگذشت با عنوان «احوال الشیخ رئیس حجة الحق افضل المتأخرین ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری» در نسخه خطی شماره ۴۸۴۹^۱ کتابخانه ایاصوفیه که در تاریخ ۶۹۷ ثانیاً مقابله شده است (و دو نسخه مشابه آن)؛ و اثر ردیف ۵۵ و ۵۶ در نسخه خطی ۲۲۴/۱ دانشگاه تهران «رسالة فی تاریخ الشیخ رئیس حجة الحق ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا

روح‌الله رسه و قدس نفسه عمله الحکیم ابو عبید الجوزجانی عن بعض فضلاء اصفهان».

در دو روایت کم اعتبار فهرست آثار ابن سینا یعنی روایات پنجم و ششم، این رساله در روایت ششم معرفی شده اما در روایت پنجم ذکر نشده است: روایت ششم: اثر ردیف ۳۷ متن و ردیف ۶۴ حاشیه نسخه شماره ۳۴۴۷/۶ کتابخانه احمد ثالث؛ تاریخ کتابت ۸۶۶ رساله «مناقب الشیخ رئیس ابی علی سینا رحمه الله» و دو نسخه مشابه آن.

عدم ذکر این رساله در روایت پنجم فهرست آثار ابن سینا یعنی رساله «تاریخ احوال الشیخ رئیس افضل المتأخرین ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری سقی الله ثراه» نسخه خطی شماره ۱۴۵۲/۴ کتابخانه حمیدیه، احتمالاً قرن ۷ (و هفت نسخه خطی مشابه آن) خللی در اعتبار این رساله ایجاد نمی‌کند. زیرا اولاً فهرست آثار شیخ در این روایت، تمام آثار شیخ نیست؛ به دو قرینه: یکی عبارت «و هذا فهرست کتبه» در آغاز فهرست که بر خلاف دیگر روایات ادعای استقصای «جمع» آثار شیخ را ندارد. دیگری عبارت «... و کثیر من الکتب و الرسائل لم تدخل فی هذا الفهرست.» در انتهای فهرست که دلالت بر گزینشی بودن این فهرست دارد. ثانیاً این فهرست برخلاف متن رساله یقیناً کار جوزجانی نیست، بلکه نگارش کاتب مجهول‌الهویه این نسخه است. ثالثاً فهرست این روایت به لحاظ اعتبار در ردیف آخر یا ماقبل اخیر روایات شش‌گانه قرار دارد. در ۷۳ اثر معرفی شده در این روایت سه اثر اختصاصی مشکوک به نامهای کتاب *التعبیر المترجم بالفیض الالهی؛ رساله فی کلف القمر، الرساله الخوریه* آمده است. بعلاوه دیگر آثار این روایت بر گرفته از روایت چهارم است که آن نیز روایت کم اعتباری است.

بر این اساس بدون تردید این رساله یکی از آثار مسلم‌الانتساب ابن سیناست. این رساله در فهرس متأخر آثار ابن سینا به شرح ذیل یاد شده است: عثمان ارگین: شماره ۳۲؛ بروکلن: شماره ۲۴، جورج شحاته قناتی: شماره ۴؛ یحیی مهدوی: شماره ۳۲.

• یک رساله یا دو رساله؟

اگرچه در روایات معتبر سوم و اول و نیز روایت دوم فهرست آثار ابن سینا از یک رساله با مشخصات مورد نظر یاد شده است؛ اما در روایات کم اعتبار چهارم و ششم، دو رساله با عناوین ذیل ذکر شده است:

روایت چهارم: ردیف ۵۵ (۷۴): فی (الإشارة إلى) اقسام العلوم؛ ردیف ۵۶ (۷۵): فی (بیان) اقسام الحکمة.

روایت ششم: ردیف ۳۷ (۳۶): مقالة فی تقاسیم/تقسیم الحکمة و العلوم؛ ردیف ۶۴ حاشیه (۱۹۷): رساله فی اقسام العلوم.

اگر فرض کنیم عناوین «فی (بیان) اقسام الحکمة» و «مقالة فی تقاسیم/تقسیم الحکمة و العلوم» حاکی از یک اثر هستند (با توجه به قرائن عدیده‌ای که در بخش بعدی خواهد آمد)؛ این دو روایت اثر مستقل دیگری با عنوان «فی (الإشارة إلى) اقسام العلوم» یا «رساله فی اقسام العلوم» را نیز از آثار ابن سینا معرفی کرده‌اند.

پذیرش وجود دو رساله مستقل در اقسام علوم و حکمت از ابن سینا با توجه به ادله ذیل در بدو نظر دشوار است:

اولاً، در فهرست آثار مسلم الانتساب ابن سینا بیش از یک اثر در تقسیم حکمت یا تقسیم علوم عقلیه نیامده است. دو روایت معتبر سوم و اول و روایت دوم فهرست آثار شیخ نیز مؤید همین مطلب است.

ثانیاً، می‌توان گفت: حاشیه نسخه ۳۴۴۷ احمد ثالث (روایت ششم) که به خطی مغایر با خط متن نگاشته شده (و دو نسخه مشابه آن که بی‌هیچ توضیحی حاشیه را به متن منتقل کرده‌اند) بی‌اعتبارترین روایت فهرست آثار ابن سینا است؛ به ذکر «رساله فی اقسام العلوم» در این حاشیه واقعی نیست. اما در نسخ روایت چهارم (فارغ از کم اعتباریش) ذکر «فی (الإشارة إلى) اقسام العلوم» (مقدم بر «فی (بیان) اقسام الحکمة») مشکلی ایجاد نمی‌کند، چرا که به احتمال قوی مراد «اقسام العلوم العقلیه» بوده که کاتب با غفلت از کلمه «العقلیه» آن را مستقل از اقسام الحکمة توهم

کرده است.

اما برای آزمون ادعای رساله مستقل از /اقسام/ الحکمة یا اقسام العلوم العقلیه راه مطمئن تری سراغ است، و آن مراجعه به خود نسخ خطی آثار ابن سینا است. در نزدیک پنج هزار نسخه خطی کشف شده از آثار ابن سینا يك نسخه با مشخصات ذیل می تواند مصداق ادعای یادشده باشد: نسخه شماره ۷۱۲/۵ کتابخانه مجلس سنا، قرن ۱۱، با عنوان «رسالة فی اقسام العلوم» (در ۸ صفحه، از ۲۷۰ تا ۲۷۹، ۱۷ سطر). آغاز و انجام و فصل بندی این رساله چنین است:

«هذا ما عمله الشيخ الرئيس ابوعلی الحسين بن عبدالله بن سینا لمجلس الشيخ الجلیل السید ابی الحسین احمد بن محمد السهلی لما عرف کمال حظه فی فنون الحکمة و محبته لها و تکفله المنتهین الیهما عمل مشجرا یوضح فیہ جمیع اقسام علوم الاوائل بمجاء العین و یدکر ما الذی یشتمل علیه کل قسم منها و فی ای الکتب توجد القوانین و الاصول لكل فن منها لیسهل علی من تأملها معرفة الفائدة و الغرض فی العلم الذی یریده من علومهم و الکتاب الذی یدله علیه من کتبه، و شفغ الی الشیخ الجلیل فضله العزیز فی الامر باصلاح الخلل ان کان وقع فی هذا العمل منعا ان شاء الله عز ذکره و له الحمد کفاء افضاله و صلواته علی نبیه محمد و اله. علوم الاوائل تنقسم قسمین: قسم هو الة و هو المنطق ... و هو تسعة اقسام ... و قسم هو غرض و هو مسمى عندهم فلسفة و هو تنقسم قسمین: احدهما و هو الفلسفة العملية ... و هو ثلاثة اقسام ... و الثانی و هو القسم الثانی من القسم الثانی من الکتاب و هو الفلسفة النظرية ... و هو ثلاثة اقسام احدها العلم الطبيعي ... و هو قسمان ... و الثانی و هو العلم التعالیم ... و هو قسمان ... و الثالث و هو العلم الموسوم بمابعد الطبيعة و هو ثلاثة اقسام قسم منه یشتمل علی تعریف الموجود ... و قسم یشتمل علی اثبات الاصول التي هی مبادئ للعلوم الجزئية ... و قسم یشتمل علی اثبات المبدء الاول ... و تعریف الملائكة المقربين و کم عدة طبقاتهم و تعریف سكان السموات منهم و انهم کیف تعبدوا فی تدبیرها حتی سمو المدبرات امرا و تدبیر تعلق تاجسما السفلیة بالعلویة و کیفیة تعلق الكل بتوکیل الملائكة المقربين به بالامر الالهی الواحد و فی تعریف الثواب و العقاب فی الاخرة، و الاقسام کلها فی کتاب مابعد الطبيعة، و هذا القسم خاصة فی کتاب اثولوجیان. و قد تمت الرسالة، و الحمد لله رب العالمین». (کتب فی حاشیة آخر النسخة: نقل هذه الرسالة من نسخة کتب فی آخرها «نقل هذه

الرسالة من خط المصنف اعلى الله درجته».

ابوالحسین احمد بن محمد السهیلی (ابوالحسن سهل بن محمد السهلی / ابی‌عبدالله الحسن بن سهل ابن محمد) چنانکه شیخ‌الرئیس خود در رساله سرگذشت متذکر شده همان وزیر دانش دوست علی بن مأمون خوارزمشاهی بوده است. شیخ‌الرئیس رسائل «فی امر مستور الصنعة / الاکسیر ، الکیمیا، فی الصنعة»، «علة قیام الارض فی وسط السماء / رساله فی علة قیام الارض فی حیزها، تناهی الاجسام»، « کتاب فی دفع المضار الکلیة عن الابدان الانسانیة بتدارک انواع خطأ التدریر» و «ارجوزة فی المنطق» را برای این وزیر دانش دوست نوشته است.^۱

چون شیخ پس از فوت پدر (حدود ۳۹۲) و اضطراب امور سامانیان، به گرگانج رفته است و در حدود سال ۴۰۳ از گرگانج برای دریافتن خدمت قابوس عزیمت کرده و ابوالحسن السهیلی هم در سال ۴۰۴ گرگانج را ترک گفته است، تاریخ تصنیف این رساله‌ها بایستی بعد از سال ۳۹۲ و قبل از ۴۰۳ باشد.

در رساله *اقسام العلوم* بحث اصلی در اقسام علوم اوائل و معرفی کتب قوانین و اصول هر علم است. علوم اوائل به دو قسم آلی و نفسی تقسیم شده است. در فلسفه عملیه از کتب اخلاق و نولوطیقا [پولیطیقا] ارسطاطالیس و کتاب السیادة [السیاسة] افلاطون اسم برده شده است. در فروع علم طبیعی نام کتب هرمس، والیس، بقراط، جالینوس، دیاسقوریدوس، ماجاطانیس، قرانادینات، کتاب الفلاحة لقسطوس به چشم می‌خورد. در همین بخش سه قسم کیمیا که مورد قبول برخی اوائل و مورد انکار جمهور است معرفی شده است. در بخش علوم ریاضی از کتب اقلیدس، ارشمیدس، بنی موسی شاکر یاد شده است. و بالاخره در مابعدالطبیعة تنها کتاب *اثولوجیا* معرفی شده است. در این رساله اقسام علوم فرعی با شرح و تفصیل و احیاناً با ذکر اقسام جزئی و کتب مرجع در هر رشته معرفی شده‌اند.^۲

این رساله را می‌باید «*رسالة اقسام علوم الاوائل*» نامید. این رساله تک نسخه‌ای اگر چه مشابه رساله *اقسام الحکمة* است، اما یقیناً با آن متفاوت است. عدم اشاره به آن در روایات سوم و اول فهرست آثار شیخ‌الرئیس آن را از زمره آثار مسلم

الانتساب ابن سینا بیرون می‌کند. با توجه به ذکر آن در دو خرده روایت اصلی از روایات چهارم (نسخه مرادملای تنمة صوان الحکمة و نسخه ۴۸۴۹ ایاصوفیای رساله سرگذشت) و عدم ناسازگاری با سبک و سیاق آثار مسلم شیخ و اقامه نشدن دلیلی بر عدم انتساب آن به ابن سینا، این رساله در زمره «آثار محتمل الانتساب» شیخ‌الرئیس محسوب می‌شود. هر چند عدم اشاره ولو جزئی به آن در رساله مسلم الانتساب اقسام الحکمة سؤالی جدی فراروی آن به شمار می‌آید. تحقیق درباره این رساله تازه مکشوف مجالی دیگر می‌طلبد. کشف این رساله از نتایج نیکوی تحقیق رساله اقسام الحکمة است، و لله الحمد.

• عنوان رساله

برای به دست آوردن عنوان رساله از سه دسته قرائن سود جسته‌ایم: اول، فهرست آثار ابن سینا؛ دوم، عناوین نسخ خطی رساله؛ سوم، قرائن داخلی متن رساله. قرائن دسته اول، فهرست آثار ابن سینا. از روایات مختلف آثار ابن سینا به ترتیب اعتبار عناوین ذیل برای رساله مورد بحث به دست می‌آید:

۱. اقسام الحکمة (قفطی، فهرست اول ابن ابی اصیبعه)؛ مقالة فی اقسام الحکمة (۴۷۵۵ یونیورسیتته، سرگذشت)؛ فی اقسام الحکمة (نسخه مراد ملای تنمة و ۴۸۴۹ ایاصوفیه، سرگذشت).

۲. اقسام علوم الحکمة (نسخه برلن، تنمة).

۳. مقالة فی تقاسیم الحکمة و العلوم (فهرست دوم ابن ابی اصیبعه و ۴۸۵۲ ایاصوفیا، سرگذشت و ۳۴۴۷ احمد ثالث، سرگذشت)

آنچنانکه گذشت روایت سوم از فهرست آثار ابن سینا معتبرترین روایت این فهرست است، که بر اساس آن عنوان «اقسام الحکمة» به دست می‌آید. دسته دوم، عناوین نسخ خطی رساله. از چهار نسخه اقدم و دیگر نسخ مختلف رساله این عناوین به دست می‌آید:

۱. کتاب اقسام الحکمة و تفصیلها له (۴۷۵۵ یونیورسیتته)؛ رساله فی اقسام الحکمة (۴۶۵۱ ملک)؛

۲. کتاب اقسام العلوم العقلية (۴۷۵۴ یونیورسیتته)؛

۳. رساله فی تقاسیم الحکمة (۴۸۵۲ ایاصوفیا)؛

از چهار نسخه منتخب، دو نسخه اقدم معنون به (کتاب/ رساله فی) اقسام الحکمة (و تفصیله‌ها له) هستند. نسخه سوم عنوان «کتاب اقسام العلوم العقلية» و نسخه چهارم «رساله فی تقاسیم الحکمة» را بر تارک خود دارند. عنوان اخیر به نحوی راجع به عنوان اول است. از این چهار نسخه عنوان «رساله اقسام الحکمة» به دست می‌آید، که با سه نسخه فی الجمله سازگار است. عنوان «کتاب/ رساله اقسام العلوم العقلية» اگرچه عنوان اصح نسخ منتخب است؛ اما با قرائن دسته اول و سوم (که خواهد آمد) سازگار نیست. از این دسته قرائن، عنوان «رساله اقسام الحکمة» راجح است، اگرچه متعین نیست.

دسته سوم، قرائن داخلی متن رساله. چه بسا از عبارت ابتدای متن رساله «فقد التمسست مئی ان اشیر الی اقسام العلوم العقلية» عنوان «اقسام العلوم العقلية» نتیجه گرفته شود. اما برخلاف نظر مرحوم دکتر مهدوی این قرینه برای تعیین نام رساله کافی نیست، زیرا اولاً ابن سینا در همین فقره این عنوان را درخواست دیگران برای تدوین این رساله ذکر می‌کند، بعلاوه در آخر فصل یازدهم قبل از شروع بحث در علم منطق می‌نویسد: «و اذ قد وقفنا علی الاقسام الاصلية و الفرعية للحکمة»، که گزارشی است از آنچه نوشته است با نام اقسام الحکمة. و نیز در عبارت پایانی رساله تصریح می‌کند: «فقد دللنا علی اقسام الحکمة و ظهر انه لیس شیء منها یشتمل علی ما یمخالف الشرع»، که با صراحت از آنچه در رساله نوشته با عنوان اقسام الحکمة یاد کرده است.

مهمتر از آن، شیخ در عناوین یازده‌گانه‌ای که برای فصول رساله انتخاب کرده است (در پنج مورد اول با تصریح به عنوان فصل و در شش مورد اخیر بدون ذکر عنوان فصل) درهشت مورد از یازده مورد از واژه حکمت استفاده کرده است، به این شرح: «فصل فی ماهية الحکمة، فصل فی اول اقسام الحکمة، فصل فی اقسام الحکمة النظرية، فصل فی اقسام الحکمة العملية، فصل فی اقسام الحکمة الطبيعية، اقسام الحکمة

الفرعية الطبيعية، الاقسام الاصلية للحكمة الرياضية، الاقسام التسعة للحكمة التي هي المنطق». و تنها در فصول هشتم، نهم و دهم بجای حکمت واژه علم را استعمال کرده است، به این شرح: «الاقسام الفرعية للعلوم الرياضية، الاقسام الاصلية للعلم الالهي، فروع العلم الالهي».

با توجه به مجموعه قرائن یاد شده، عنوان «رسالة في اقسام الحكمة» را برای متن رساله مناسب تر یافتیم. عناوین فرعی رساله «تقسیم الحكمة» و «اقسام العلوم العقلية» خواهند بود. قنواتی نیز همین عنوان «اقسام الحكمة» را برگزیده است. بروکلن عنوان «تقسیم الحكمة و العلوم» را انتخاب کرده، ارگین و مهدوی هم «اقسام العلوم العقلية» را تعیین کرده اند.

لازم به ذکر است، بحث شیخ در ابتدای طبیعیات عیون الحكمة به «اقسام الحكمة» نزدیک است و در ابتدای منطق کتاب حکمة المشرقین و در مقدمه منطق کتاب الشفا به «اقسام العلوم». اما اصطلاح العلوم العقلية در دیگر آثار شیخ در این مقام یافت نشد.

• زمان نگارش رساله

زمان نگارش رساله در متن آن ذکر نشده است. علیرغم اینکه جوزجانی در متن رساله سرگذشت زمان و مکان نگارش بیست و شش تألیف ابن سینا را متذکر شده است، متأسفانه به چنین مشخصاتی برای این رساله اشاره ای نکرده است. حتی مخاطب این رساله که ابن سینا آن را به درخواست وی تدوین کرده است، مشخص نیست. نامی از آن نیز در دیگر آثار شیخ برده نشده است.

از مقایسه محتوای رساله بویژه در فصل طبیعیات آن با محتوا و فصل بندی شفا می توان اطمینان نسبی حاصل کرد که این رساله قبل از نگارش طبیعیات شفا تدوین شده است. چرا که تقسیم بندی آن مطابق کتاب ارسطو است و نه شفا. بی شک اگر رساله بعد از شفا تدوین شده بود، می بایست از نظم آن پیروی می کرد. با توجه به اینکه نگارش طبیعیات شفا از سال ۴۱۲ آغاز شده، می توان نگارش این رساله را قبل از ۴۱۲ دانست. از آنجا که نخستین آثار شیخ به سال ۳۹۱ (بیست و یک سالگی او)

باز می‌گردد، به نظر می‌رسد تاریخ نگارش این رساله بین سالهای ۳۹۲ تا ۴۱۲ باشد. ضمناً با عنایت به مقایسه تقاسیم این رساله و تقاسیم حکمت در دو اثر دیگر شیخ، زمان تدوین آن قبل از عبون الحکمة و حکمة المشرقین می‌باشد. (تاریخ تدوین این دو اثر مشخص نیست).

• روش تحقیق:

موارد ذیل در پاورقی مورد تحقیق قرار گرفته است:
اول، در واژه‌ها و اعلام یونانی، ضبط مصطلح در زبان عربی این واژه‌ها در متن و معادل یونانی آنها (با الفبای انگلیسی) آورده شد.
دوم، در مورد اعلام بکار رفته در متن، به تاریخ و مشخصات اجمالی آنها اشاره شده است.
سوم، در مورد کتب مستعمل در متن، مشخصات ترجمه‌های نخستین عربی آن کتب و مشخصات معتبرترین چاپ آن آمده است.
چهارم، کوشیده شده تا عناوین و مشخصات کتب مورد اشاره شیخ حدس زده شود.
پنجم، میزان انتساب این کتب به مؤلف مذکور در متن بویژه آثار ارسطو به اختصار مورد تحقیق قرار گرفته است.
ششم، در موارد کلیدی نشانی مطلب مشابه در دیگر آثار (حتی الامکان مسلم الانتساب) ابن سینا بویژه کتاب *الشفاء* اشاره شده است.
هفتم، آیات قرآنی مورد اشاره شیخ در متن استخراج شده است.
هشتم، در مراجع تحقیق حتی الامکان سعی شده از منابع نگاشته شده قبل از زمان تألیف رساله ابن سینا برای توضیح و تشریح استفاده شود.

۳. مقدمه تصحیح انتقادی

در سومین و آخرین بخش مقدماتی، از هفت مطلب بحث خواهیم کرد. نخست

مشخصات کلیه نسخ خطی شناخته شده رساله اقسام الحکمة ابن سینا معرفی می‌شود. سپس به معرفی و ارزیابی کلیه چاپهای رساله خواهیم پرداخت. در قسمت سوم از ضرورت نخستین تصحیح انتقادی رساله سخن خواهیم گفت. آنگاه مشخصات نسخ خطی مبنای تصحیح معرفی می‌شوند. پس از آن از روش تصحیح سخن خواهیم گفت. در ششمین قسمت مشخصات ترجمه‌های رساله به زبانهای مختلف ارائه می‌شود. واپسین قسمت به تشکر از عزیزانی خواهیم پرداخت که مصحح را به نحوی یاری کرده‌اند.

• مشخصات کلیه نسخ خطی شناخته شده رساله:

از رساله اقسام الحکمة ابن سینا مجموعاً ۵۸ نسخه شناسائی شده است.^۳ در این معرفی مشخصات اصلی نسخه خطی به ترتیب ذیل ذکر شده است: نام شهری که نسخه خطی در آن نگهداری می‌شود، نام کتابخانه در بردارنده نسخه خطی به اختصار، شماره نسخه خطی، نام کاتب (در صورت شناسائی)، تاریخ کتابت نسخه (در صورت ذکر یا احراز)، مکان کتابت (در صورت مذکور بودن)، ناقص یا کامل بودن نسخه، مشخصات فیلم یا عکس نسخه در دیگر کتابخانه‌ها. این نسخ خطی به لحاظ تاریخ کتابت به سه دسته تقسیم شده‌اند:

دسته اول: ۵ نسخه اقدم (کتابت اواخر قرن ششم تا اوائل قرن هشتم):

اول: استانبول، دانشگاه ۴۷۱۱/۳ (سال ۵۷۹)؛ دوم: استانبول، دانشگاه ۴۷۵۵/۵ (سال ۵۸۸)؛ سوم: تهران، ملک ۴۶۵۱/۲ (قرن ۷)؛ چهارم: استانبول، دانشگاه ۴۷۵۴/۴ (سال ۷۰۲)؛ تهران، دانشگاه ۲۳۲/۵ (فیلم)؛ پنجم: استانبول، ایاصوفیه ۴۸۵۲/۲ (سال ۷۲۴)؛ تهران، دانشگاه، ۲۲۶۶/۲ (ف).

دسته دوم: نسخ دارای تاریخ به ترتیب زمان کتابت (۱۵ نسخه، از اوائل قرن دهم تا اواسط قرن چهاردهم):

تهران، ملک ۴۶۴۱/۲ (سال ۹۰۴، شیراز)؛ تهران، دانشگاه ۴۷۳۲/۹ (ذیقعه ۹۶۲)؛ یزد، وزیری ۲۳۷۷/۲۳ (ابن محمود نور الله المیبدی، سال ۹۶۵)؛ مشهد،

رضوی ۱۰۶۵ (قرن ۱۰، افتادگی از آغاز و انجام، وقفی ۱۰۶۷)؛ تهران، دانشگاه ۴۶۶۸/۸ (شوال ۱۰۱۸)؛ تبریز، خادم حسینی ۸۷/۵، خوی ۹۴۵ (عبدالرشید حسینی، سال ۱۰۳۰)؛ تهران، مجلس ۶۳۴/۳۸ (سال ۱۰۴۳)؛ تهران، مجلس ۱۴۲۸۰/۳۵ (سال ۱۰۸۰)؛ تهران، ادبیات، ۲۵۳/۱۳ (قرن ۱۱)؛ تهران، مجلس ۱۸۰۷/۶ (سال ۱۱۰۲)؛ تهران، مجلس ۲۸۱۴/۳ (رجب علی اصفهانی، سال ۱۱۱۸)؛ تهران، مجلس، ۱۴۴۷۳/۳۵ (قرن ۱۲)؛ تهران، ملک ۴۶۴۵/۳ (غلامحسین الطیب، سال ۱۲۷۷، مدرسه صالحیه مشهد)؛ قم، میراث ۳۶۳۶/۴ (قرن ۱۳)؛ استانبول دانشگاه، ۱۴۵۸/۸۶ (قرن ۱۳)؛ تهران، ملک ۱۰۲۲/۴ (سید علی تنکابنی قزوینی، ۱۳۵۸).

دسته سوم: ۳۸ نسخه فاقد تاریخ کتابت:

تهران: [دانشگاه: ۲۳۰/۳ ف و ۲۶۲/۱ ف و ۴۳۸/۲۶ ف و ۱۱۴۹/۱۳؛ ملک ۴۲۶۷/۸]؛ مشهد: [رضوی: ۵۹۵ (تهران، دانشگاه، ۶۴۵۲/۱ عکسی) و ۵۵۰ و ۵۹۱۳]؛ شیراز: [نور الدین ۱۶/۱۷ (نشریه ۲۸۸/۵)؛ استانبول: [ایا صوفیه: ۴۸۱۸/۶ و ۴۸۲۹/۲۰ (تهران، دانشگاه، ۲۰/۲۲۶۴ ف) و ۴۸۵۳/۲۵؛ طوپ قاپ سرا، احمد ثالث ۱۳/۱۵۸۴ و ۳۴۴۷/۵۰؛ سلیمانیه: اسعد افندی ۳۶۸۸ و شهید علی پاشا ۲۷۲۵؛ نور عثمانیه ۴۸۹۴/۹؛ حمیدیه ۱۴۴۸/۵۸؛ ملت: جار الله ۱۳۰۲/۱ و پرتو پاشا ۶۴۷؛ کوپرولو: ۸۶۸/۵ و ۱۶۰۵/۳ و ۱۶۲۸/۵]؛ اکسفورد: [بادلیان: ۴۳۰/۳ و ۹۸۰/۱۰]؛ لندن: [موزه: ۴۳۰/۳ و ۹۷۸/۱۳ و ۹۸۰/۷ و ۹۸۱/۱۰]؛ منچستر، رایلند، ۳۸۴؛ گوتا، ۱۱۵۳/۲۹؛ لایدن، ۱۴۷۸؛ پترسبورگ، موزه ۱۵۶؛ قاهره: [دار الکتب: ۲۵۰، تیمور ۱، طلعت ۳۳۹]؛ حیدرآباد، اصفیه ۱۷۱۶.

از ۵۸ نسخه شناسائی شده به ۳۴ نسخه دسترسی حاصل شد، یعنی کلیه نسخه‌های دسته اول و دوم (به استثنای نسخه ۴۷۱۱ دانشگاه استانبول و تبریز)، و ۱۶ نسخه از دسته سوم یعنی کلیه نسخ موجود در ایران (به استثنای نسخه شیراز) و ۵ نسخه استانبول (نسخ ۴۸۲۹ و ۴۸۵۳ ایاصوفیا، نورعثمانیه و حمیدیه) به دست آمد. از ۲۴ نسخه باقیمانده (۲۲ مورد آن در دسته سوم یعنی نسخ بدون تاریخ قرار دارند) که متأسفانه علیرغم کوشش بسیار به دست نیامد، نسخه شماره ۴۷۱۱/۳

کتابخانه دانشگاه استانبول با تاریخ کتابت ۵۷۹ هجری (اقدام نسخ شناسائی شده) با ارزشترین آنهاست. به هر حال قدیمی ترین نسخه شناسائی شده، یک قرن و نیم پس از وفات مصنف کتابت شده است. در میان این نسخ، هیچیک به خط مصنف یا شاگردان بلاواسطه وی نمی باشد.

• معرفی و ارزیابی کلیه چاپ های پیشین رساله:

رساله اقسام الحکمة در ۱۳۰ سال اخیر مجموعاً ۱۱ بار در استانبول (۱۲۹۸)، بمبئی (۱۳۱۸)، قاهره (۱۳۲۶ و ۱۳۲۸ و ۱۹۸۶)، لکنهوهو (۱۳۲۳)، قم (۱۳۷۰ ش)، فرانکفورت (۱۴۲۰) و بیروت (۱۴۰۸، ۱۴۱۰ و ۱۴۲۶) به شرح ذیل منتشر شده است:

۱. *تسع رسائل فی الحکمه و الطبيعيات*، للشيخ الرئيس ابوعلی الحسين بن عبدالله بن سینا، الرسالة الخامسة: اقسام العلوم العقلية.^۵

الطبعة الاولى: مطبعة الجوانب، قسطنطيه، ۱۲۹۸، [۱۳۱ صفحه، صص ۸۰-۷۱]؛
[الطبعة الثانية]: ادارة الخان صاحب الميرزا محمد ملك الكتاب [الشيرازي] و شيخ محمد بن غلام رسول سورتی، مطبعة گلزار حسنی، بمبئی، ۱۳۱۸، [۱۰۴ صفحه،
الطبعة الحجرية، صص ۷۷-۶۷]؛ الطبعة الاولى [الثالثة]: علی نفقة امين هندية، مطبعة
هندية بالموسكى بمصر، سنة ۱۹۰۸ / ۱۳۲۶ [۱۸۰ صفحه، صص ۱۱۸-۱۰۴]؛
الطبعة الثانية [الرابعة]، قاهره، دار العربي للبيستانی، بی تا؛ [الطبعة الخامسة]: صححها
و قدم عليه حسن العاصی؛ بیروت ۱۹۸۶، دار القابوس، ۱۴۴ صفحه، {طبع دوباره
قاهره ۱۹۰۸ است}؛ [الطبعة السادسة]: مع شرح مصطفى النورانی، قم، ۱۳۷۰ ش،
۳۴۳ صفحه، انتشارات مكتب اهل بيت (ع)؛ [الطبعة السابعة]: الفلسفة الاسلامية،
يصدرها فؤاد سزگین، معهد تاريخ العلوم العربية و الاسلامية في اطار جامعة
فرانكفورت، جمهورية الالمانا الاتحادية، ۱۹۹۹/۱۴۲۰، المجلد ۴۲؛ اعادة طبعة
القاهره ۱۳۲۶ و ۱۳۲۸؛ [۳۳۸ صفحه، صص ۱۲۸-۱۱۴ (۱۰۴-۱۱۸)].^۶

۲. *اخر المفصل* زمخشری، مطبع انصاری، دهلی ۱۳۰۹؛ لکنهوهو ۱۳۲۳.^۷

۳. *مجموعه الرسائل*، طبعت علی نفقة الشيخ محیی الدین صبری الکردی الکاغشکانی،

- مطبعة كردستان العلمية، مصر، ۱۳۲۸؛ ۶۳۶ صفحه.^۸ الرسالة التاسعة: اقسام العلوم العقلية [صص ۲۴۳-۲۲۵].
۴. المذهب التربوي عند ابن سینا خلال فلسفته العملية، عبدالامير ز. شمس الدين؛ بيروت، ۱۹۸۸، دارالاعلام للكتاب؛ ۴۴۸ صفحه، حاوی ۲۳ رساله ابن سینا در قسمت دوم کتاب؛ صفحه ۲۶۱ تا ۲۷۲. {افست طبع قاهره ۱۳۲۸}
۵. كتاب مبحث عن القوى الانسانية او كتاب في النفس على سنة الاختصار، نشره و قدم له ادوارد كرنيلوس فنديك.^۹ الرسالة الخامسة: في اقسام العلوم العقلية [برگرفته از «تسع رسائل» با حروف چینی جدید، صص ۷۶-۶۵]؛ دار و مكتبة بيبليون، لبنان، ۲۰۰۵ م؛ [۸۷+۱۱۳ صفحه، بدون مقدمه، فهرست، مصحح و ...].
- این پنج عنوان منتشر شده اگرچه گاهی حروف چینی مجزا هم دارند، اما مجموعاً تنها به دو طبع مستقل منتهی می‌شوند:
- اول: طبع تسع رسائل (با هفت چاپ قسطنطنیه، بمبئی، قاهره، قم، فرانکفورت و بیروت). این طبع عیناً حروف چینی نسخه ۴۷۵۴ دانشگاه استانبول یا نسخه‌ای برگرفته از آن (بدون اشاره به نسخه مبنا) است با همان رسائل و همان ترتیب نسبی رسائل نه‌گانه، و نقل کلیه اغلاط آن بدون کمترین تصحیحی. اختلاف این چند چاپ تنها ناشی از اغلاط مطبعی است. این نسخه اگرچه اصح نسخ خطی است، اما متأسفانه هم افتادگی دارد هم غلط. این طبع رایجترین طبع رساله تا کنون بوده است.
- دوم: طبع مجموعه الرسائل (قاهره، ۱۳۲۸). این طبع نیز حروف چینی نسخه ۴۷۵۴ دانشگاه استانبول یا نسخه‌ای برگرفته از آن (بدون کمترین اشاره‌ای به نسخه مبنا و روش تصحیح) با تصحیح اجتهادی احتمالاً مرحوم محیی‌الدین صبری الکردی (مصحح النجاة و منطق المشرقیین و ...) است. این طبع اصح از طبع قبلی است، اما همانند دیگر تصحیحات اجتهادی قابل استناد به مصنف نیست، هرچند در فقدان تصحیح انتقادی مفیدترین طبعهاست. این دو طبع در طول تصحیح مورد مراجعه واقع شده است.

• **ضرورت نخستین تصحیح انتقادی رساله:**

رساله اقسام/الحکمه از آثار مسلم الانتساب به ابن‌سینا بوده، به لحاظ محتوی در عداد کتاب «احصاء العلوم» فارابی به حساب می‌آید و در بررسی دیدگاه مسلمانان در طبقه‌بندی علوم عقلی از منابع دست اول محسوب می‌شود. این رساله موجز پس از دائرةالمعارف‌های ابن‌سینا در میان آثار وی جایگاهی رفیع دارد و حاوی مشروح‌ترین ابحاث ابن‌سینا در اقسام حکمت و علوم وابسته به آن است. در این رساله، ابن‌سینا کتب مرجع حکمت در فلسفه یونان را معرفی نموده، به ایجاز به نسبت شرع و حکمت اشاره کرده است.

از رساله اقسام الحکمه علیرغم اهمیتش تا کنون تصحیح انتقادی در دست نیست، و استفاده از آن تنها از طریق دو طبع غیر مصحح صورت گرفته است، که به هیچ وجه در شأن این رساله فاخر نیست. حتی همان طبع‌های غیر مصحح نیز جز در برخی کتابخانه‌های قدیمی قابل دسترسی نمی‌باشد. بعلاوه متن مصحح این رساله سوگوارانه در سرزمین خود ابن‌سینا - ایران - منتشر نشده است.

اکنون که عزم بر تصحیح انتقادی مجموعه آثار ابن‌سینا جزم شده است، تصحیح انتقادی این رساله در اولویت قرار گرفت تا فارغ از فایده مترتب بر نشر مصحح آن، بر اساس مفاد آن ترتیب تصحیح انتقادی دیگر آثار شیخ‌الرئیس تنظیم شود.

• **مشخصات نسخ خطی مبنای تصحیح:**

برای یافتن اصح نسخ خطی رساله اقسام الحکمه، ۳۴ نسخه خطی به دست آمده رساله اعم از مورخ و غیر مورخ با یکدیگر مقابله شد. نتیجه این مقابله ابتدائی این شد که ۳۰ نسخه از نسخ موجود به نحوی از انحاء برگرفته و استنساخ شده از چهار نسخه اقدم هستند و به یکی از آنها منتهی می‌شوند. این چهار نسخه به عنوان نسخ مستقل مبنای تصحیح انتخاب شدند. قدیمی‌ترین این نسخ ۱۶۰ سال بعد از درگذشت ابن‌سینا نوشته شده است. مقابله ثانوی این نسخ نشان داد که میزان صحت آنها با میزان قدمشان نسبت مستقیم ندارد. مشخصات این نسخ به ترتیب صحت نسبی متن به شرح ذیل است:

نسخه اول: نسخه شماره ۴/۴۷۵۴ دانشگاه استانبول. این مجموعه حاوی ۱۰ رساله از آثار ابن سینا در ۱۱۴ برگ است. کاتب آن نامعلوم و تاریخ کتابت آن پایان ربیع الثانی ۷۰۲ است. خط آن نسخ و هر صفحه ۱۵ سطر دارد. نخستین رساله آن «رسالة القوى الانسانية و ادراکاتها» (منسوب به ابن سینا و خیرین آن «رساله جوهرية الاجرام السماوية» است. «کتاب اقسام العلوم العقلية» رساله پنجم این مجموعه از ورق ۳۹ تا ۵۰ پ در ۱۲ برگ و ۲۴ صفحه پس از «کتاب الحدود» و قبل از «رسالة فی اثبات النبوة و تأویل رموزهم و امثالهم» آمده است. فیلم این نسخه به شماره ۲۳۲ در مجموعه فیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. خط این نسخه بسیار واضح و خوانا و اغلاط آن در مقایسه با سه نسخه دیگر منتخب کمتر است. در مواضع دشوار رساله، این نسخه تعیین کننده است. کاتب این نسخه مطمئناً افضل از کاتبان دیگر نسخ مورد بحث بوده است. با این همه برخی افتادگی‌ها و پاره‌ای اختلاف نسخ مرجوح با هر سه نسخه دیگر باعث شد که از انتخاب این نسخه به عنوان نسخه اصل در تصحیح اجتناب کنیم. هرچند بر اساس آنچه به عنوان متن نهائی رساله از تصحیح انتقادی حاصل شده است، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب بیشترین سهم است. رمز این نسخه در تصحیح حرف تاء «ت» است.

نسخه دوم: نسخه شماره ۴۶۵۱ کتابخانه ملک، تهران. این مجموعه ۲۰۴ برگی حاوی ۱۶ رساله از جمله ۱۳ رساله ابن سینا و «جوامع السياسة» فارابی (رساله نهم) و «شرح رساله حی بن یقظان» (رساله چهارم) و رساله‌ای نامشخص (رساله شانزدهم) است. مشخصات ظاهری این مجموعه عبارت است از: خط نسخ، فاقد نام کاتب، عناوین و علائم شنگرف، نوعی ترمه، جلد: میشن سیاه ضری، ۷/۱۲×۴/۲۱ سم. نخستین رساله این مجموعه «الادوية القلبية» ابن سینا است. «رسالة فی اقسام الحکمة» دومین رساله این مجموعه در ۸ برگ و ۱۵ صفحه است. رساله سوم «رسالة حی بن یقظان» ابن سینا است.

بر اساس ارزیابی مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار زمان کتابت این

مجموعه قرن هفتم است. (فهرست کتابخانه ملک، ج ۷ ص ۴۵۱). خط این نسخه بد، اما پرنقطه‌تر است. این نسخه دارای برخی حواشی توضیحی است و مقابله شده است. اعتبار علمی کاتب این نسخه از اعتبار علمی نسخه اقدم بیشتر است. بر اساس آنچه به عنوان متن نهائی رساله از تصحیح انتقادی حاصل شده است، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب بین دوم و سوم در نوسان است. رمز این نسخه در تصحیح حرف لام «ل» است.

نسخه سوم: نسخه شماره ۴۸۵۲ کتابخانه ایاصوفیه، استانبول. این مجموعه ۱۲۰ برگگی حاوی ۷ رساله فلسفی ابن سیناست. قطع آن ظاهراً رقعی، خط یکدست آن نسخ، تعداد سطور هر صفحه ۱۹ سطر است. نخستین رساله این مجموعه «سیره شیخ‌الرئیس و فهرست کتبه» است. در پایان صفحه اول این رساله عبارت «فی اوائل ربیع الاول من شهور سنة اربع و عشرين و سبع مائة» (۷۲۴ هجری قمری) مندرج است. «رسالة فی تقاسیم الحکمة» دومین رساله این مجموعه از صفحه ۱۳ پ تا ۲۱ ر در ۸ برگ و ۱۶ صفحه قبل از «رسالة فی القضاء و القدر» آمده است. عکس این نسخه در دانشگاه تهران به شماره ۲/۲۲۶۶ موجود است. خط این نسخه واضح و خوش‌خوان‌تر از نسخه ملک است. بر اساس آنچه به عنوان متن نهائی رساله از تصحیح انتقادی حاصل شده است، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب همانند نسخه ملک بین دوم و سوم در نوسان است. رمز این نسخه در تصحیح حرف صاد «ص» است.

نسخه چهارم: نسخه خطی شماره ۴۷۵۵ دانشگاه استانبول. این مجموعه ۳۲۶ برگگی حاوی ۲۶ رساله از آثار ابن سینا است. قطع آن ظاهراً رقعی، خط مجموعه یک دست و به قلم یک کاتب متأسفانه غیر معلوم، و به خط نسخ، و تعداد سطور هر صفحه ۱۵ سطر است. در آغاز مجموعه آمده است: «رسائل من تصانیف الشیخ‌الرئیس ابی علی رحمة الله علیه و بعضه منقول من خطه». نخستین رساله مجموعه «الموجز الصغیر فی المنطق»، رساله دوم «الرسالة الموجزة فی المنطق»؛ رساله سوم «الارجوزة الموسومة بمیزان النظر فی المنطق»، رساله چهارم «کتاب عیون الحکمة»

می‌باشد. «کتاب اقسام الحکمة و تفصیلها له» پنجمین رساله این مجموعه از ورق ۸۴ تا ۹۲ یعنی ۹ برگ یا ۱۷ صفحه است. پس از آن «رسالة اجرام العلویة» با عنوان رسالته فی تعریف الراى المحصل الذی ختمت علیه رؤیة الاقدمین فی تعریف الاشیاء السماویة» ششمین رساله این مجموعه است. سه رساله آخر این مجموعه عبارتند از «سیرة الشیخ الرئیس و قهرس کتبه و ذکر احواله و تواریخه»، «مقاله فی الهندباء» و قطعات متفرقه.

در حاشیه انتهای رساله سوم «الارجوزة الموسومة بمیزان النظر فی المنطق» در برگ ۴۳پ این عبارت به چشم می‌خورد: «تمت المقابلة بالنسخة التي نقلت منها و كانت الام بخط همینیار تلمیذ الشیخ رحمهما الله و ؟ بحسب الطاقة فی محرم سنة ۵۸۹». در آخر رساله هجدهم «المسائل التي وردت علیه فاجاب عنها» [الاجوبة عن مسائل العشرة] در برگ ۲۶۶پ کاتب متذکر شده است: «هذا اخر ما وجد بخط الشیخ الرئیس رحمه الله تعالی... فرغت من تعليقها فی مستهل شهر رمضان سنة ثمان و ثمانین و خمس مائة». در ذیل رساله نوزدهم «رسالة فی اسباب حدوث الحروف و اسباب اختلافها» برگ ۲۷۷ر آمده است: «كان الفراغ منها فی رمضان سنة ۵۸۸» و در کنار همان صفحه عبارت «عورض بها اصلها و صحت بحسبه» به چشم می‌خورد. از مجموعه این قرائن می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که این مجموعه نفیس در سال ۵۸۸ هجری قمری از روی نسخ به خط شیخ یا به خط شاگردانش استنساخ شده است و یکی از منابع با ارزش آثار ابن سینا به حساب می‌آید. نحوه خاص نگارش و شیوه نقطه گذاری به این قدمت شهادت می‌دهد.

یکی از مشکلات این نسخه بی‌نقطه بودن یاء و تاء آغاز افعال مضارع و نیز بی‌نقطه بودن کلمات مشکل متن در اکثر قریب به اتفاق موارد است. از مجموعه شواهد به دست آمده در قرائت دقیق این نسخه و مقایسه آن با سه نسخه منتخب دیگر این نتیجه به دست آمد که علیرغم اقدمیت نمی‌توان آن را در این تصحیح به عنوان نسخه اصل به حساب آورد. کاتب اگرچه کم‌سواد نبوده اما متأسفانه فاضل نیز نبوده است و گاه اشتباهات بی‌نی مرتکب شده است. تا حدی که آنچه به عنوان متن

نهایی رساله از تصحیح انتقادی سر بر آورد، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب چهارم است. رمز این نسخه در تصحیح حرف سین «س» است.

• روش تصحیح:

با عنایت به اینکه اولاً نسخه به خط ابن سینا یا به تصحیح وی یا به خط شاگردان مستقیم او یا به تصحیح ایشان به زمان ما نرسیده است و هیچ‌یک از نسخ منتخب نیز به لحاظ صحت حائز جمیع شرائط تشخیص داده نشد، این تصحیح از داشتن نسخه اصل محروم است. لذا روش تصحیح انتقادی بین چهار نسخه منتخب در پیش گرفته شد. به این معنی که در موارد اختلاف نسخ، اصح آنها به عنوان متن و دیگر موارد به عنوان نسخه بدل در پاورقی ذکر شد. اگر هیچ‌یک از موارد اختلافی صحیح به نظر نرسیده باشد، تمام آن موارد به پاورقی منتقل شده‌اند و واژه یا عبارت صحیح (همراه با مختصر توضیحی در پاورقی) در متن آورده شده است، نوعاً ممتاز با علامت کروش. به هر حال کوشش شده اولاً متنی حتی الامکان صحیح و ثانیاً نزدیک‌ترین متن به گزارش نسخ منتخب خطی ارائه شده باشد.

در این تصحیح به ترتیب نسخ «ت» در درجه اول، نسخ «ص» و «ل» در نوسان بین درجه دوم و سوم، و نسخه «س» (اقدام نسخ موجود) درجه چهارم در متن مصحح سهیم بوده‌اند. بعلاوه در موارد اختلافی بویژه زمانی که هیچ‌یک از نسخ صحیح به نظر نمی‌رسید از نسخ مطبوع کمک گرفته شد (همراه با تذکر در پاورقی).

در مورد رسم الخط در عین وفاداری کامل به گزارش نسخ خطی منتخب، کوشش شده رسم الخط متن برای خواننده امروز مأنوس و مفهومی باشد (از جمله در کتابت همزه). از آنجا که در بسیاری از موارد اکثر نسخ خطی فاقد نقطه بوده‌اند (بویژه در افعال مضارع محتمل بین یاء و تاء) این نکته تشدید می‌شود.

کلیه پاراگراف‌بندی‌ها از مصحح است. عناوین فصول و شبه فصول (فاقد عنوان صریح فصل) را با قلم متمایز در وسط سطر آورده‌ایم. این عناوین را با شماره مسلسل ۱ تا ۱۱ در کروش همراه کرده‌ایم. قبل و بعد از مباحث منطقی تمایز مطلب را با سه ستاره متمایز کرده‌ایم.

• مشخصات ترجمه‌های رساله به دیگر زبانها:

رساله به پنج زبان لاتین، عبری، فرانسوی، فارسی و انگلیسی ترجمه شده است. مشخصات ترجمه‌ها به ترتیب تاریخ انتشار عبارت است از:

۱) ترجمه لاتین: {اندريا الياگو؛ مجموعه درباره نفس؛ درباره معاد، جایگاه انسان پس از مرگ و اینکه بازگشت انسان به کجاست، نفس انسان پس از مرگ، کلمات قصار درباره نفس، درباره تعریف و مسائل، درباره تقسیم علوم؛ ونیز، ۱۵۴۶}

Alpago, Andrea; *Avicenna Philosophi Praeclarissimi Compendium de anima*; De mahad-i-de dispositione, seu Loca, ad quem revertiture homo, velanima ejus post anima. Aphorismi de anima. De deffinitionibus, et quasesitis. De divisione scientiarum juntas; Venetiis, 1546, ff 145-(3)

Re-Print: Farnborough, Gregg Int., 1969, 145 folios. pp. 138v-145v.

۲) ترجمه عبری: جزئی از آن Falqeras: Rersit hohokma (بروکلمن، جلد اول ملحقات ص ۸۱۷) و Monatsch. f. d. Gesch. u. Wiss. des Judentums 80, 97 (قنواقی، ص ۱۵).

۳) ترجمه‌های فرانسوی. رساله/قسام/الحکمة سه ترجمه مختلف به زبان فرانسوی دارد. اقدام آنها توسط قنواقی منتشر شده است. ترجمه انتقادی بخش اعظم رساله توسط میشوت بهترین ترجمه رساله به این زبان است. ترجمه میمون به لحاظ اعتبار پس از دو ترجمه قبلی قرار می‌گیرد:

1. Anawati, G.C., Les divisions des sciences intellectuelles d'Avicenne, Melanges de l'Institut Dominicain des Etudes Orientales du Caire (Cairo), 13 (77), 323-335.
2. MICHOT, J. Les sciences physiques et métaphysiques selon la *Risâla fî Aqsâm al-'Ulûm* d'Avicenne, in: *Bull. Philos. Méd.*, 22 (80), 64-71.
3. Épître sur les parties des sciences intellectuelles d'Abû 'Alî al-Husayn Ibn Sînâ., traduit par Rabia Mimoune, in, "Études sur Avicenne.", dirigées par Jean Jolivet et Roshdi Rashed, Paris: Les Belles Lettres, [Sciences et philosophie arabes.], 1984, pp. 143-151

(۴) ترجمه فارسی:

راهنمای حکمت، پنجم رساله ابوعلی سینا، شارح و مترجم مرحوم ضیاء الدین در، کتابخانه خیام، تهران ۱۳۷۳ هجری قمری، ۷۰ صفحه، رساله اول: اقسام علوم عقلیه [صص ۲۳-۹].^{۱۰}

(۵) ترجمه انگلیسی: مرحوم محسن مهدی دو فصل دوم (فصل فی اول اقسام الحکمة) و چهارم (فصل فی اقسام الحکمة العملية) را به انگلیسی ترجمه کرده است:

Aqsām al-'Ulūm al-'Aqlīyya., Translated by Muhsin Mahdi, in, "Medieval Political Philosophy: A Sourcebook.", Edited by Ralph Lerner and Muhsin Mahdi, New York: Free Press of Glencoe; Toronto: Collier-Macmillan, 1963. pp 95-97.¹¹

جای آن دارد که ترجمه انگلیسی این رساله تکمیل شود، ترجمه فارسی آن ویرایش شود و نیز به دیگر زبانهای زنده دنیا ترجمه شود.

• تشکر

دستیاران تصحیح رساله عبارتند از: خانم مهسا محمدی پور (کارشناس ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه تربیت مدرس): استنساخ، مقابله اولیه اکثر نسخ خطی و تنظیم نمایه‌ها؛ و خانم مریم سالم (دانشجوی دکتری فلسفه مشاء دانشگاه تربیت مدرس): مقابله اولیه معدودی از نسخ خطی. از زحمات ایشان صمیمانه سپاسگزارم. در مراحل مختلف تدوین و تصحیح این رساله نگارنده از کمک برخی از همکاران، دانشجویان و دوستان به شرح ذیل بهره‌مند بوده است:

حجج اسلام آقایان مصطفی درایتی و عباسعلی علیزاده (مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد(ع) مشهد): شناسائی نسخ خطی رساله؛ آقایان محسن خلیلی (کتابخانه مجلس شورای اسلامی)، دکتر سید حسین موسویان (موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) و احمد بستانی (دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس): دستیابی به نسخ خطی؛ آقایان محمد رضا احمدی (کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی) و محمد جواد اسماعیلی (دانشجوی دکتری فلسفه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران): دستیابی به کتب منتشره؛ خانم فروغ اعظمی (موسسه پژوهشی حکمت

و فلسفه ایران): تایپ متن رساله. از همه آنها تشکر می‌کنم.
از اساتید مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران آقایان دکتر غلامرضا اعوانی،
دکتر شهرام پازوکی و آقای بهمن پازوکی (در ترجمه واژه‌ها و عبارات یونانی، لاتین و
آلمانی)، و آقای دکتر سید محمود یوسف‌ثانی (در مطالعه متن تصحیح و تذکر
کاستی‌های آن) استفاده کرده‌ام. از ایشان ممنونم.
این نوشتار به عنوان نخستین طرح پژوهشی کوتاه‌مدت نگارنده در مؤسسه
پژوهشی حکمت و فلسفه ایران اجرا شده است. از رئیس، معاون پژوهشی، و
اعضای شورای پژوهشی مؤسسه از این بابت تشکر می‌کنم.
تهران، اردیبهشت ۱۳۸۷

بعد التحریر: در آستانه زیر چاپ رفتن مجله دو نسخه خطی دیگر از رساله یافت شد: تهران،
دانشگاه، ۲۱۰۶/۲ (قرن ۱۱، گ ۱۴-۲۲) و تهران، مجلس، ۴۷۴۹/۱۱ (طهماسب قلی،
گ ۱۳۳-۱۳۴)، بیان اقسام الحکمة: گزیده اقسام الحکمة). اما مهم‌تر از این دو مشخص
شد که نسخه «تهران، دانشگاه، ۲۳۰/۳ ف» فیلم نسخه اقدم یعنی «استانبول، دانشگاه
۴۷۱۱/۳ (سال ۵۷۹، گ ۲۳-۲۷)» بوده است (آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم).
بر این اساس این نسخه می‌بایست یکی از پنج نسخه اساس تصحیح واقع می‌شد. این
نقیصه در ویرایش بعدی مقاله رفع خواهد شد. ان شاء الله (۱۹ آبان ۱۳۸۷)

پی‌نوشت‌ها:

۱. (بیت ۳۴): قد سال الشيخ الرئيس سهل / ذاك الذي تم لديه الفضل.
۲. لازم به ذکر است در صفحه ۲۸۶ همین مجموعه (نسخه شماره ۷۱۲/۸ کتابخانه مجلس سنا) آمده است:
«الحکمة صناعة نظریة يستفید منها الانسان تحصیل ما علیه الوجود کله فی نفسه و ما علیه الواجب ممّا
ینبغی ان یکتسبه بعمله لتشرف بذلك نفسه و تستکمل و تصیر عالما معقولا مضاهیا للعالم الموجود و
تستعدّ للسعادة القصوی الاخریة و ذلك بحسب الطاقه الانسانیة.» کتب فی اخره: هذا تعریف
للشیخ‌الرئیس فی رساله المعموله فی اقسام العلوم». این عبارت برگرفته از ابتدای فصل اول رساله فی

- اقسام الحکمة است، که از ان با نام رساله فی اقسام العلوم ان هم ۷ صفحه بعد از رساله اقسام العلوم الاوائل نقل شده است.
۳. این فهرست از کتاب در دست انتشار «کتابشناسی جامع ابن سینا» به همین قلم نقل می شود.
۴. آغاز: مجال الموجودات التي لا يتعلق وجودها بفعل الانسان و يكون المقصود... فی اقسام الحکمة النظرية. انجام: الاقسام الاصلية لحکمة الرياضيه: هی اربعة علم العدد و علم الهندسه و علم الهیة و علم الموسيقى علم العدد يعرف فيه حال انواع العدد.
۵. همراه با رسائل: ۱. الطبيعيات من عيون الحکمه، ۲. الاجرام العلويه، ۳. القوى الانسانية، ۴. الحدود، ۶. اثبات النبوات و تاويل رموزهم و امثالهم، ۷. النيروزيه فی معانی الحروف الهجائيه، ۸. العهد، ۹. علم الاخلاق.
۶. یک. تسع رسائل فی الحکمة و الطبيعيات، الطبعة الاولى، علی نفقة امين هندية، مطبعة هندية بالموسکی بمصر، سنة ۱۹۰۸، ۱۳۲۶، و فی اخرها: قصة سلامان و ابسال ترجمة حنين بن الاسحاق، و فی اولها ترجمة حال ابن سینا المنقولة من تاريخ ابن خلکان؛ دو. منطق المشرقيين و التصيد المزدوجه فی المنطق، تصنيف الرئيس ابی علی سینا، عنيت بتصحيحه و نشره المكتبة السلفية لمؤسسها محب الدين الخطيب و عبدالفتاح القتلان، مطبعة المؤيد، القاهرة، ۱۳۲۸ / ۱۹۱۰، ۸۳ صفحه.
۷. به نقل بروکلن، جلد اول ملحقات ص ۸۱۷ و تنمة صوان الحکمة، لاهور، ۱۳۵۰، ص ۴۷، حاشیه ۳. نگارنده موفق به رويت اين طبع نشد. ظاهرا اين طبع به کتابخانه های ایران نرسیده است.
۸. حاوی ۲۳ رساله از ابن عربي، غزالی، ابی شامه الشافعی (... از جمله ۷ رساله ابن سینا: ۶. الاخلاق، ۷. العهد، ۸. القوى الانسانية و ادراکاتها، ۱۰. سر القدر، ۱۱. المبدأ و المعاد (۴ مساله)، ۱۲. بيان جوهر النفس [جوهر اجرام السماوية].
۹. بلیه لابن سینا ایضا رساله الطیر، اسباب حدوث الحروف، النيروزية فی معانی الحروف الهجائية، الحدود، قصة سلامان و ابسال ترجمها من اليونانی حنين بن الاسحاق، رساله الحکومة فی حجج المثبتين للماضی مبدأ زمانیا و تحليلها الى القياسات.
۱۰. به همراه ترجمه رسائل مبدء و معاد، قصیده عینیه، در بیان جهت برپا بودن زمین در وسط عالم، عهد از ابن سینا و دو رساله به قلم خود شارح.

۱۱. از دیگر تحقیقات اروپائی درباره رساله اقسام الحکمة مقالات ذیل قابل ذکر است:

1. Gundisalvus, Domenicus; **De divisione philosophiae**, herausgegeben und philosophiegeschichtlich untersucht nebst einer Geschichte der philosophischen Einleitung bis zum Ende der Scholastik von Dr. Ludwig Baur, Münster, [Beiträge zur Geschichte der Philosophie des Mittelalters, etc. Bd. 4. Hft. 2, 3.], 1903. [On Ibn Sīnā, **Risālah fī Aqsām al-'Ulūm al-'Aqlīyyah**.]
2. Khaīrullaev, M.M; **Some Treatises and Epistles of Ibn Sīnā.**, *Indian Journal of History of Science*, 21 (1986), 244-250. [Discusses mss. In the collection of the

Institute of the Oriental Studies of the Uzbek SSR Academy of Sciences, namely **Risālah fī al-Ḥudūd**, **Risālah fī Aqsām al-'Ulūm al-'Aqliyyah**, **Risālah fī Taqsīm Aqsām al-Mawjūdāt**, Ibn Sīnā's exchange of Letters with contemporaries, **Ta'liqāt**.]

3. Strauss, Leo; **Eine vermißte Schrift Farabis.**, *Monatsschrift für Geschichte und Wissenschaft des Judentums (Breslau)*, 80 (1936), pp. 96-106. [On the sources of Ibn Falaquera, *Reshīth Hokhma: Fārābī*, **Ihṣā' al-'Ulūm**; Ibn Sīnā, **Aqsām al-'Ulūm** and *Fārābī*, **Tahṣīl al-Sa'ādah**.]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی